



# مذاکرات مجلس

دوره ششم تقنینیه

صورت مجلس یکشنبه ۳ مهرماه ۱۳۰۵ مطابق ۱۸ شهر ربیع الاول ۱۳۴۵

جلسه ۱۳

غائبین با اجازه — آقایان: میرزا سیدسید یحیی خان فاطمی — میرزا  
حسین خان جلانی — علی خان اعظمی — آقا سید زین العابدین —  
آقا میرزا هاشم آشتیانی — احتشام زاده.

مجلس سه ساعت قبل از ظهر به ریاست آقای تدین تشکیل  
و صورت مجلس روز پنجشنبه سی و یکم شهریور قرائت و تصویب  
شد.

غائبین بی اجازه - آقایان: محمدولی خان اسدی - شریعت زاده میرزا ابراهیم خان قوام - محمد هاشم میرزا افسر - میرزا حسن آقاآزاده سزوری.

دیرآمدگان با اجازه - آقایان: حاج آقا اسمعیل عراقی - آقا سید ابراهیم ضیاء.

دیرآمدگان بی اجازه - آقایان: دکتر سنگ - میرزا یدالله خان نظامی - میرزا اسمعیل خان نجوسی - عطاءالله خان پالیزی - ملک ایرج میرزا پورتیمور - غلامحسین میرزا مسعود - حاج سیدرضا فیروزآبادی.

آقای حاج حسن آقا ملک در تعقیب بیانات چند جلسه قبل آقای فهیمی راجع به انتخابات خمس شرحی مشعر به بی طرفی حکومت در اسر انتخابات تقریر و نیز یک فقره تلگراف از طرف عده از تجار مشهد راجع به وخامت اوضاع تجارتی خراسان بواسطه مسدود بودن سرحدات شمالی و لزوم توجه دولت در این خصوص و استعمال ششماهه برای تأدیه مالیات انحصاری قرائت و آقای رئیس اظهار نمودند سراسلات و تلگراف واصله بایستی به هیئت رئیسه تسبیم و بر طبق نظامنامه کمیسیون عرایض مراجعه شده و سراحل قانونی خود را طی نماید.

خبر شعبه چهارم راجع به نمایندگی آقا حسین آقایان که در جلسه قبل قرائت و آقای فاطمی مخالف بودند مطرح و چون آقای فاطمی غائب بودند در آن خصوص رأی گرفته تصویب شد. پروگرام دولت مطرح و در قسمت چهارم آقای ارباب کیخسرو با کلمه تدریجی مخالف و عقیده شان این بود تسریع در فروش خالصجات نوشته شود.

آقای وزیر مالیه اظهار مینمودند مقصود از کلمه تدریجی سلسله در این اسر نبوده لکن بدیهی است تدریجاً صورت خواهد گرفت.

آقای آقا سید یعقوب با فروش خالصجات برای تأسیس بانک فلاحتی مخالف بوده و اظهار مینمودند چنانچه اسنیت قضائی در مملکت ایجاد شود طبعاً اهالی سرمایه های خود را صرف این قبیل مؤسسات خواهند نمود.

آقای وزیر مالیه شرحی راجع به خرابی وضعیت خالصجات و تولید مخارج زیاد برای دولت تقریر و فروش آن را مقرون بصرفه و صلاح میدانستند.

آقای داور نیز با فروش خالصجات مخالف بوده و عقیده شان این بود عجله اسلاک خالصه برای کشت و زرع بین رعایا تقسیم و در موقع مقتضی به رعایا فروخته شده و در مدت چند سال قیمة آن به اقساط دریافت شود.

آقای مدرس نیز شرحی مشعر بلزوم فروش خالصجات در تحت شرایط سهل و آسان تقریر و در قسمت پنجم راجع به تأسیس بانک دولتی آقای وزیر مالیه در جواب بیانات آقای آقا سید یعقوب اظهار نمودند البته دولت با توافق نظر مجلس شورای ملی به اسرع اوقات وسائل ایجاد این بانک را فراهم خواهد نمود و ضمناً لایحه راجع به تأسیس شعبه رهنی بانک مزبور را به مجلس شورای ملی تقدیم

و به کمیسیون بودجه ارجاع شد.

در قسمت ششم آقایان ارباب کیخسرو و فهیمی پس از ذکر بهبودی بعضی امور مالیه شرحی راجع به خرابی اوضاع وزارت مالیه مخصوصاً قسمت محاسبات ارزاق و حمل و نقل آن و تعدیات مأمورین مالیه به مردم و لزوم اجرای قوانین مصوبه تقریر و آقای وزیر مالیه راجع به جریانات امور وزارت مالیه و خدمات مستخدمین آمریکائی شرحی دفاعاً اظهار پس از آن جلسه برای تنفس تعطیل و به فاصله نیم ساعت مجدداً تشکیل و در قسمت هفتم آقای ارباب کیخسرو راجع بلزوم حفظ اعتبار امضای دولت در موضوع امتیازات و تعیین تکلیف امتیازات معطله بیاناتی نموده و آقای حائری زاده مختصر شرحی به موافقت تقریر و در قسمت هشتم مخالفی نبوده و در قسمت نهم آقای وزیر فواید عامه در جواب آقای آقا سید یعقوب اظهار نمودند مقصود دولت از این قسمت اصلاح و توسعه راههای موجود و ایجاد راههای جدید است و هرگاه ذکر لفظ (ایجاد) لازم باشد ممکن است اضافه شود.

در قسمت دهم آقای ارباب کیخسرو راجع بلزوم اجراء تصمیم مجلس پنجم در خصوص راه آهن و لزوم پیشنهاد لایحه قانونی برای جریان وجوه نقد و شکر شرحی بیان نموده و آقای وزیر فواید عامه اظهار داشتند در موضوع راه آهن از طرف دولت تأخیری نشده و منتظر ورود متخصصین آمریکائی و آلمانی هستند که پس از ورود آنها شروع به تهیه مقدمات کار بشود.

در قسمت یازدهم نیز آقای ارباب کیخسرو شرحی مبنی بر خرابی وضعیات فعلی وزارت داخله و لزوم ایجاد تشکیلات صحیح و اقدامات لازمه برای توسعه صحیه در تمام مملکت و ایجاد بلدیة های قانونی اظهار و آقای حائری زاده موافق بوده و آقای وزیر داخله نیز راجع به اصلاح تشکیلات وزارت داخله و صحیه و ایجاد بلدیة های قانونی شرحی تقریر و در قسمت دوازدهم آقای وزیر عدلیه در جواب آقای آقا سید یعقوب اظهار نمودند بدیهی است تکمیل کلیه امور وزارت عدلیه تدریجی بوده و عدلیه فعلی بهیچوجه طرف نسبت با عدلیه چند سال قبل نبوده و البته بوسیله تکمیل قوانین و تربیت قضاة لایق و غیره کلیه نواقص در آتیه مرتفع خواهد شد و فعلاً مطالبی که در درجه اول به نظر دولت مهم بوده از قبیل تعمیم ثبت اسناد و اسلاک برای جلوگیری از وقوع دعاوی و سرعت جریان محاکمات و تهیه قانون مدنی در پروگرام پیش بینی و به عرض مجلس شورای ملی رسیده است.

در قسمت سیزدهم آقای وزیر معارف در مقابل بیانات آقای آقا سید یعقوب اظهار نمودند مهم ترین مقصود دولت توسعه و تعمیم مدارس ابتدائی در تمام نقاط مملکت است و البته پس از فراهم شدن وسائل لازمه در توسعه مدارس متوسطه و غیره نیز اقدامات لازمه به عمل خواهد آمد.

آقای وزیر مالیه دو فقره لایحه راجع به برقراری شهریه درباره وراثت مرحوم حاج شیخ عبدالنبی و میرزا سید محمدخان نصر تقدیم و به کمیسیون بودجه ارجاع شد.

جلسه آتیه به روز سه شنبه پنجم مهرماه چهار ساعت قبل از

ظهر و دستور آن مذاکره در بقیه پروگرام هیئت دولت تعیین و مجلس سه ریح ساعت بعد از ظهر ختم شد.

آقای آقا سید یعقوب تذکر دادند که در جلسه گذشته اظهار نموده اند که: باید وزرای مسؤل خودشان در مقام مدافعه از سواد

صورت مشروح مجلس مورخه یکشنبه سوم مهرماه ۱۳۰۵ مطابق هیجدهم ربیع الاول ۱۳۴۵

(مجلس سه ساعت قبل از ظهر بریاست آقای تدین تشکیل گردید)

(صورت مجلس پنجشنبه بی و یکم شهریور را آقای میرزا آقاخان عصر انقلاب قرائت نمودند)

رئیس - آقای حاج حسن آقای ملک. (اجازه)

حاج حسن آقا ملک - قبل از دستور عرضی دارم.

رئیس - آقای آقا سید یعقوب. (اجازه)

آقا سید یعقوب - بنده هم قبل از دستور عرض دارم.

رئیس - آقای محقق. (اجازه)

آقا سید جواد محقق - در کلیات دوم عرضی دارم.

رئیس - آقای امیر کلالی. (اجازه)

امیر تیمور کلالی - قبل از دستور عرض دارم.

رئیس - نسبت بصورت مجلس اعتراضی نیست؟

(گفته شد - خیر)

رئیس - صورت مجلس تصویب شد. آقای حاج حسن آقا

ملک. (اجازه)

حاج حسن آقا ملک - در دوسه جلسه قبل آقای فهیمی نماینده محترم در موضوع وقعه یا وقیه توقیف بقیه انتخابات ولایات بیاناتی فرمودند که بیشتر روی سخنشان مربوط بود با انتخاب خمس و متأسفانه پیش از حد لزوم حاکم خمس را مورد بی لطفی خودشان قرار دادند در صورتی که اگر حقیقتاً اعتراضی هم متوجه باشد با انتخابات بوزارت داخله متوجه است زیرا حکومت و حاکم مسؤل وزارت داخله هستند. بنده معرفی آقای ابوالحسن خان امیر حشمت سابق و حاکم فعلی خمس را در حکم لزوم مالا یلزم میدانم زیرا سوابق درخشان و وطن پرستی و خدائاتی که ایشان در دوره مشروطیت کرده اند تصور میکنم در جامعه وتوده و هم در نزد ارباب اطلاع کاملاً محفوظ باشد یکی از اعتراضاتی که متوجه کردند بایشان این بود که گفتند ایشان اظهار داشتند که چون من مشمول قانون استخدام نیستم و از وزارت مالیه حقوق دریافت نمی کنم برای اعاشه و تأمین آتیه باید از صندوق آراء استفاده کنم. بنده تصور میکنم اگر حقیقتاً اعتراضی متوجه باشد بیک مأموری که مشمول قانون استخدام نباشد باز آن اعتراض بعامل بیشتر متوجه است که مأمور معذور و حال آنکه در این مورد بخصوص که کاملاً تحقیقات بعمل آمده است ایشان مشمول قانون استخدام هستند و حقوقهم دریافت میدارند. بنده تصور میکنم اشخاصی که این عرایض را خدمت نماینده محترم کرده اند کسانی هستند که خودشان مسلمانان انتخابات آنجا نظر داشته اند از این موضوع هم که بگذریم اولاً هیچ آدم عاقلی در ملاه عام اظهار نمیکند که چون من مشمول قانون

پروگرام برآیند و دیگر مخالفی نبود و در جلسه سه شنبه پنجم مهرماه / تصویب شد.

رئیس مجلس شورای ملی - سید محمد تدین

منشی: سید ابراهیم ضیاء منشی: نویخت

استخدام نیستیم میخواهم از صندوق آراء استفاده کنم بعلاوه عملیات حاکم تکذیب قضیه است زیرا کاندیداهای معروف خمس چند نفری پیش نیستند. آقای افخمی هستند. حضرت آیت الله زاده هستند آقای نجات هستند و یکی دونفر اهل محل. اما آقای افخمی نظر بسابقه و نسبتی که با سعدالدوله سردار دارند تصور میکنم در هیچ بابی از ابواب محتاج باستمداد و استعانت حاکم نباشد و همچنین آقای آیت الله زاده و آقای نجات حقیقتاً این مسئله برای خود بنده خیلی مشکل است که بخواهم تعیین کنم حاکم از کدام یک از این آقایان میتوانم استفاده کند و مستطیع شود و تأمین آتیه بکند. یکی از مستنداتی که پشت تریبون اظهار داشتند تلگراف انجمن نظار بود. این انجمن فعلاً مستانک است بنده متحیر هستم چطور میشود یک انجمنی که میداند بالاخره قضاوت قضایای انتخابات با مجلس شورای ملی است خودش فعلاً دارد قضاوت می کند و هیچ حاضر نمیشود برای اینکه آراء را بخواند در تحت عنوان اینکه جریان غلط است و از کجا این اعتراضاتی را که میخواهند متوجه کنند به حاکم حاکم متوجه آن خط نشود. در هر صورت عقیده من است که باید وزارت داخله در اطراف این قضیه تحقیقات کاملی بکند و مطلب را به عرض مجلس شورای ملی برساند. مجلس شورای ملی در موضوع منفی نمیتواند یک قضاوت مثبتی بکند. عرض دیگر بنده این است که یک تلگرافی از وجوه اکابر تجار خراسان رسیده است که در این موقع که هیئت محترم دولت اینجا تشریف دارند بنده موقع را مغتنم و مطالبشان را بعرض آقایان و کلاء و وزراء میرسانم. بعد از عنوان که خطاب بمجلس شورای ملی است مینویسد: اوضاع تجارت خراسان پوشیده نیست بواسطه فشارهای دولت شوروی بچه حال اسفناکی افتاده و تاکنون دولت هم موفق برقع مشکلات نشده. تمام اجناس روسیه از اداره فروش میرسید عوض قران میگيرد پول خودشان را هم قبول نمیکند ماها آنچه مواد خام و غیره به نژنی و مسکو برده ایم قهراً و مجبوراً در مقابل جنس خرید شده کلی مخارج قران باید بدهیم که اجناس خرید شده را وارد نمائیم پول نقد هم که معلوم است وجود ندارد استرحاً ما این مساعدت را از دولت استدعا داریم مالیات انحصاری را فقط با تجار ایرانی با اطمینان شش ماهه بپردازیم و الا غیر از این باشد از جنس خرید شده هم در روسیه خواهد ماند و ماها هم بی با خواهیم شد اعضاء حاج غلامرضا برادران. علی اصغر اف جمع کثیری. تصور میکنم با این اختلالی که در اقتصادیات هست اگر یک تسهیلاتی برای آقایان تجار قائل بشوند خیلی مناسب است.

(بعضی از نمایندگان - صحیح است) و امیدوار هستیم هیئت

معظم دولت در این یکی دوروزه توجه کاملی فرموده و در این باب تسریع فرمایند زیرا مستدعیات فوریه محتاج بتوجهات فوریه است جمعی از نمایندگان - دستور.  
رئیس - وارد دستور شویم؟  
جمعی از نمایندگان - بلی.  
آقا سید یعقوب - بنده عرضی دارم.

رئیس - بنده برای حفظ اصول دو تذکر دارم آقای حاج حسن آقا ملک اولاً اگر یکی شکایت میکند از مأمورین دولت طرف مستقیماً وزارت داخله است و وزارت داخله باید یا تصدیق بکند آن شکایات را یا تردید بکند و نماینده هیچوقت طرف با مأمور دولت نیست که از طرف او بخواند دفاع کند راجع بتلگراف هم اگر میسرند مطابق نظامنامه باید اول بهیئت رئیس داده شود و بعد بکمیسیون عرایض برود و سایر مراحل را طی بکند.  
آقای آقا سید یعقوب چه فرمایشی دارند؟

آقا سید یعقوب - اگر وارد شده‌اید که عرضی ندارم اگر وارد نشده‌اید که بنده عرضی دارم عرض کنم.  
رئیس - مجلس عقیده‌اش این است وارد دستور شویم.  
آقای امیر کلالی هم اجازه خواسته‌اند ولی میل آقایان این است که وارد دستور شویم.

در جلسه گذشته خبر شعبه چهارم راجع بنمایندگی آقا حسین آقایان از شاهرود مطرح شد آقای فاطمی مخالف بودند.  
بعضی از نمایندگان - تشریف ندارند.  
رئیس - دیگر مخالفی ندارد؟ (گفته شد - خیر)  
رئیس - رأی میگیریم بنمایندگی آقای آقا حسین آقایان از شاهرود آقایانی که موافقت قیام بفرمایند (اغلب قیام نمودند)  
رئیس - تصویب شد. قسمت چهارم پروگرام دولت مطرح است.

(شرح آتی خوانده شد)

۱- تهیه لایحه برای فروش تدریجی خالصجات بطور سزایده و تخصیص عایدات فروش آن بتأسیس بانک فلاحی.  
رئیس - آقای فرمند. (اجازه)  
فرمند - موافقم.

رئیس - آقای ارباب کیخسرو. (اجازه)  
ارباب کیخسرو - بنده فقط مخالفتم در کلمه تدریجی است این کلمه تدریجی معنیش نشدن است و نمیدانم از روی چه ملاحظه نوشته شده است؟ برای اینکه باستان رسیده است که خالصجات برای دولت جز ضرر چیز دیگر ندارد. اگر بجمع و خرج خالصجات رسیدگی شود و معین شود که عوائدش چیست و خرج سالیانه‌اش چقدر است آنوقت تصدیق خواهد شد که هرچه زودتر بفروش برسد هم برآبادی املاک میافزاید و هم از خسارت دولت میکاهد لذا عقیده‌ام این است اگر کلمه تدریجی را بردارند و عوض کلمه تدریجی کلمه تسریع را بگذارند مناسبتر است.  
وزیر مالیه - در اینماده که دولت پیشنهاد کرده است یقیناً نظر دولت بر این است که هر چه زودتر مقدور باشد این کار را بروجع

بین‌النهرین مثلاً بدریای باطوم (خنده حضار) بنده نمیخواهم اظهار بشاشت کنید باصل مسئله توجه کنید. اگر حقیقه حقوق قضائی برای اهالی تأمین شد اول کسیکه عیال را بفروشد برای سرمایه بانگ فلاحی بنده خواهم بود چنانکه امتحان هم داده‌ایم وقتی که صحبت بانک ملی شد ما طلبه‌های بدبخت کتاب‌هایمان را فروختیم (حالا بنده نمیخواهم بگویم آنها که در آب من رفته‌اند این کارها را نکردند) طلبه‌های بدبخت بقدریکه مقدور بود کتابهایشان را فروختند و پولش را رویهم گذاردند برای تأسیس بانک ملی. یکدفعه دیدیم بانک ملی از بین رفت چرا؟ برای اینکه تأمین قضائی نبود برای اینکه نمی‌دانستند این بانک که از بین رفت بکجا رجوع کنند و باچه قوه پول خود را باید گرفت. این است اصل مسئله و این دردست در مملکت. اگر قوه قضائیه تأمین شد ما هیچ محتاج بفروش خالصجات نیستیم این یک مسئله. مسئله دوم اینکه آقای ارباب فرمودند اگر مانگه بصورت دخل و خرج وزارت مالیه در موضوع خالصجات بکنیم می بینیم که مخارج خیلی بیش از عایدات است بنده کاملاً موافقم و آقای ارباب کیخسرو هم میدانند که بنده خیلی مته را بخشش میگذارم. در کمیسیون بودجه برای یک پول هم فریاد میزنم و همیشه در بودجه برای کم کردن خرج فریاد زده‌ام ولی بینی و بین‌الله نگاه کنید ما از دوره چهارم همیشه صحبت معارف را کرده‌ایم و بقول یکی از آقایان که میگفت در صحبت‌مان همیشه معارف مثل نمک در آش است. حالا آقای نصیرالدوله که حقیقه یک شخصی است که در مسئله معارف امتحانات خوبی داده است. و حالایی در پی هر سال از مدرسه متوسطه بیرون می‌آیند اینها را چه کنیم در مملکت کنار نیست و می‌بینیم که جوانان ما رو با ادارات می‌آورند و علتش این است که در مملکت کار نیست و اگر کار بود شاید هیچوقت این جوانان رو با ادارات نمی‌رفتند. در واقع بیشتر این ادارات و وزارت‌خانه‌هاییکه ملاحظه میفرمائید برای اسرار معاش است نه برای کار وقتی وارد در کتاب بودجه می‌شویم می‌بینیم که در غالب فصل‌های بودجه حقیقه دولت‌های وقت خواسته‌اند یک عده اسرار معاش کنند و چون نمیخواستند منت داده باشند یک عنوانی مثل تمرکز عایدات و غیره روی آن می‌گذارند و با این الفاظ و بیانات که حقیقه نان دادن است یک پولی یک اشخاصی میدهند حالا آمدیم خالصجات را فروختیم و قتیکه فروختیم بنده اطمینان پولش را ندارم بواسطه اینکه نمیدانم چه خواهد شد (ماده بعد راجع بیول قندو چای در بانک است که بعد راجع بان عرض خواهم کرد) به بینید ما با چه قوه مغناطیس از جیب مردم پول در می‌آوریم و با چه عنوانی مأمورین مالیه بزور پول از مردم میگیرند و نمیدانیم کجا می‌رود حقیقه یک سکه برو در جیب ایرانیها پیدا نمیشود این پولها کجا رفته است آهن کجا است خطش کجا است؟ آهن را در قرآن در سوره حدید میخوانیم و غیر از آن در هیچ جایی نیستیم. بنده اطمینان ندارم چون این اطمینان نیست بنده فروش خالصجات را صلاح نمیدانم این اولاً. ثانیاً آقایان اغلب میسورند که بعضی بیچاره‌ها بدبختانه گرفتار خالصه شده‌اند. خالصه خریده‌اند. خالصه انتقالی. از ملایر و

تویسرکان فریاد میزنند که بابایانید بردارید ما این را نمیخواهیم (همان قضیه خیک و پیر است) فریاد میزنند بابا دست از ما بردارید خالصه نمیخواهیم. میگویند خیر نمی شود خالصه دولت است. خالصه انتقالی است در فلان سنه شما دخل برده‌اید حالا باید پول بدهید مردم از دست خالصه انتقالی به تنگ آمده‌اند حالا که دولت میخواهد خالصه را بفروشد بچه ترتیب میخواهد بفروشد؟ بنده عقیده‌ام این است حالا که دولت میخواهد در این باب یک قدمی بردارد اول یک لایحه تهیه کند راجع بخالصه انتقالی و یک ترتیبی برای خالصه معین کند آقای مدرس در دوره پنجم یک پیشنهادی راجع بمالیاتش کردند. بنده برای قلع ماده داد و قال و برای اینکه در این باب اینهمه شکایات نشود عقیده‌ام این است اول برای خالصجات انتقالی یک ترتیبی معین کنند که مجلس و دولت و کلاً از این حیث راحت شوند و پس از آنکه انشاء الله این اکثریت عقب این آقای رئیس الوزراء و هیئت دولت و بنده که مخالفم رفتیم و قوه قضائی را تأمین کردند بنده شاید آنوقت فکر کنم اجازه بدهم باز آنچه‌هاییکه مال دولت است بدست این وزراء بیفتد و خرج کنند ولی راجع بخالصجات فعلاً بنده عقیده ندارم بآنها دست بزنند یا بجواهرات دست بزنند. ایران قدیم است ایران روزهای بدتر از این دیده است سخت‌تر از این دیده است عجله نکنید. چهارتنکه جواهر داریم. خالصه دور طهران داریم. چشم‌ها باز است که اینها را هم بدهند بیک عده حقیقه‌زود است عجله نکنید تا یک قدری چرخها بچریان عادی اما عادی قضائی نه آن عادی که آقای مدرس فرمودند بیفتد و هر چیزی در موقع خودش واقع شود. آنوقت بنده موافقم والا حالا مخالفم این یک مسئله یک مسئله دیگر را هم عرض کنم که خوبست هیئت وزراء جواب بدهند نه آقایان نمایندگان. بنده با آقای یاسائی دعوا نداریم آقایان وزراء باید جواب بدهند آقای وزیر عدلیه که یکی از فصحاء و بلغاء و حکما است و اطلاعاتشان کامل است بلند شوند حرف بزنند می و کلاً را بجان هم میاندازند.

وزیر مالیه - اگر چه آقای آقا سید یعقوب فرمودند بشاشت نکنید ولی وقتی ایشان نطق می‌کنند بقدری شیرین است که بشاشت طبیعی است در مسئله تأمین قضائی که فرمودند حقیقه یک تذکری است که بهتر از این نمی‌شود. مسلم است اگر در مملکت این مسئله واقع شود تمام عراده‌های ادارات کاملاً بجرحت درمیآید و تمام استفاداتی که اهالی مملکت باید بکنند بسهولت حاصل میشود و اگر متأسفانه تأخیراتی در این مقاصد شده است حتماً یک مقدارش بواسطه این است که تأمینات قضائی کاملاً نبوده است و البته آقایان میدانند که راجع باین قسمت تاکنون خیلی زحمت کشیده شده است و باز هم بهمت آقایان نمایندگان محترم هم قوانینی تدوین خواهد شد و هم دولت راجع به تشکیلات قضائی امیدواریم طوری بکند که تدریجاً معایب رفع شود. مسئله فروش خالصجات که آقا ذکر فرمودند البته چند فایده دارد. یک فایده‌اش این است که خرج دولت را مسلماً یک مقدار گزافی کسر میکند و یک مسئله دیگر این است که خود املاک که در دست

اشخاص افتاد یقیناً رویابادی می‌رود و بهتر توجیه می‌شود برای آباد کردن آن اراضی وبعد از آن که لایحه که ترتیب شده است برای خالصجات بنظر آقایان رسید و توجه فرمودند خواهند دید که راجع بمالیات آنها هم پیش بینی شده است که با تصویب مجلس یک ترتیبی داده شود که مالیات املاک خالصه هم مثل اربابی مأخوذ شود و حالت مالیات در مملکت یک صورت داشته باشد. در این صورت اشکالی نخواهد بود که این مسئله بیک ترتیب صحیحی جاری شود و اما اینکه فرمودند برای بانک یا غیر بانک مثلاً زمینان ندارند تصور میکنم اگر در کارها ما بخواهیم اینطور متوقف باشیم و همیشه تصور کنیم که یک نتایج نامناهی حاصل خواهد شد و بخیال از یک کار عملی که اثر وفایده اش مسلم است باز بمانیم هیچوقت بمقصود نخواهیم رسید شش دوره است از مجلس میگذرد و واقعاً کارهای عملی که باید بشود و اسباب استفاده مردم باشد بهمین جهت آنقدریکه مردم انتظار دارند متأسفانه هنوز واقع نشده این چندقره که اینجا راجع بوزارت مالیه نوشته شده است و ملاحظه میفرمائید بادر نظر گرفتن اطراف وجوانب نوشته شده است بعلاوه در وزارت مالیه قوانین مصوبه مجلس شورای ملی در نهایت رعایت است و دقیقه از آنها در وزارت مالیه ترك نمی‌شود و برای بعد هم مسلماً لوایحی ترتیب خواهد شد و بعرض مجلس خواهد رسید و پس از تصویب مجلس کاسلاً بموقع اجراء گذارده خواهد شد که بعد از این نگرانی برای کسی باقی نماند.

بعضی از نمایندگان — مذاکرات کافی است. بعضی گفتند

کافی نیست.

رئیس — آقای داور. مخالفند؟

داور — بلی.

رئیس — بفرمائید.

داور — بنده گمان میکنم محتاج بذکر باشد که ممکن است یکنفر بادولت موافق باشد و در یکی از سواد پروگرام نظریاتی داشته باشد. بنده از موافقین دولت هستم و بطور کلی به پروگرام هم رأی خواهم داد ولی چون اینماده بنظر بنده و رفقای من از نقطه نظر اصولی یک مخالفت‌هایی دارد باین مناسبت اظهار مخالفت خودم را میکنم و امیدوارم در وقتیکه دولت میخواهد فروش خالصجات را پیشنهاد کند اینمسائل را تحت دقت بیاورد و اگر صحیح بود آنها را سراعات کنند. مسئله فروش خالصجات برای اینکه بانک فلاحی درست بکنند یا سرمایه بشود برای تهیه چیزهای دیگر سابقه دارد و مدت‌ها است رویهمرفته که نگاه کنیم چون خالصه یک فوایدی برای دولت ندارد بنابراین طبیعی است که یک همچو فکری همیشه در کله اشخاص که توجه باین قضایا دارند پیدا میشود. آقایانیکه در مجلس گذشته تشریف داشتند و حالا هم اینجا تشریف دارند باید خاطرشان باشد که در دوره قبل یک پیشنهادی بمجلس آوردند که بدولت تذکر داده شود که راجع بچند قضیه مطالعات دقیقی بکنند که من جمله قضیه خالصه بود و فعلاً قضیه فروش خالصجات یک وعده نیست که دولت میدهد که من لایحه خواهم آورد که خالصجات را بفروشم و از این راه هم سرمایه برای بانک فلاحی

درست کنیم. گمان میکنم در تهیه اینماده نظر همین بوده که خالصه اسباب زحمت است بانک فلاحی هم لازم داریم و از این دو نقطه نظر این لایحه نوشته شده است. آن دوسمئله که آقای وزیر مالیه در ضمن جواب آقای آقا سید یعقوب اظهار داشتند که یکیش آبادی ملک بود گمان میکنم باین قسمت درست توجه نشده و الا مسئله فروش خالصجات بطور سزایده پیشنهاد نمی‌شد اگر مایک قدری بزندگانی اقتصادی این مملکت خودمان توجه کنیم چه خواهیم دید سی بنیم اساس زندگانی یک زندگانی فلاحی مطابق اسلوب و طرز قرون قبل از تاریخ نمی‌گوئیم ولی قرون وسطی برای بعمل آوردن محصول فلاحی داریم و هیچ فکرمی کنیم چه جنسی را ما باید بعمل بیاوریم که امروز آن جنس در بازار فایده داشته باشد همین قدر چون در سالهای قبل معمول بوده است که باید گندم کاشت باز هم می‌کارند حالا این گندم تا چه حدودی برای مائثروت حساب میشود این را دیگر حساب نمی‌کند البته شما گندم را که بکارید چند فرسخ وقتی که از اینجا که هست دورتر نرفت دیگر ثروت حساب نمی‌شود و بهمین مناسبت است که یک عده زیادی در این مملکت کار میکنند و آخر سال دماغشان سوخته و در کمال سختی و پریشانی هستند ملاکین هم در زحمت هستند. ما عادت داریم صحبت که میکنیم اغلب از ملاکین بزرگ صحبت میکنیم و میگوئیم دارای املاک زیادی هستند. در صورتیکه این اشخاص تمولشان عبارت از چند ده خرابه است که همیشه خودشان هم نمیدانند چه دست خودشان خواهد آمد و برای آبادی آن باید بروند بایک تنزیل های گزافی قرض کنند و نتیجه اش این میشود که بعد از چندسال بروند آن ملک را صلح کنند یا اینکه بالاخره بروند پی کارشان اینها تمام روی یک حسابهای غلطی است که ما تا نیائیم آن حسابها را اصلاح نکنیم فایده ندارد فرض میکنیم خالصه را از دست دولت بگیرند و بدهند بدست یک عده ملاک باز هم آباد نخواهد شد سگر ملاکین ما املاکشان آباد است که شماسی گوئید املاکی که دست دولت است خرابست و باید خودمان را از این قید خلاص کنیم بنده خیال میکنم حالا که دولت و مردم و مجلس متوجه این مسئله شده‌اند که واقعاً خالصه داری و ملک داری برای دولت نفع ندارد و میخواهند تغییری در اینکار بدهند باید ببینید این تغییر برای آبادی املاک نتیجه دارد یا نه؟ البته علل بسیاری از برای بدبختی اوضاع اقتصادی مملکت ما هست و بنده نمیخواهم داخل در آن قسمت‌ها بشوم کنفرانس هم نمی‌خواهم بدهم ولی یکی از آن علل این است که مالک توی شهر نشسته و اسلاکش این گوشه و آن گوشه افتاده و نمیتواند خودش شخصاً رسیدگی و سواظت نماید ولی نقاطی که خورده مالک هستند و خودشان بکار املاکشان رسیدگی میکنند بروید به بیابان و مقایسه کنید آن خورده مالک‌ها را با این قبیل مالکین که عرض کنم قطعاً آن خورده مالک‌ها کارشان بمراتب بهتر است چرا؟ برای اینکه آن شخص باید از این راه زندگانی کند و کارش نانش از این راه است و البته ضمناً تفنن هم از برایش دارد و کار دیگری هم ندارد ولی یکی از

بدبختیهای ما این شده است که ملاکین بدون اینکه فکر کنند که این کار برایشان خوبست یا نیست می‌آیند و هی قرض میکنند و خرج این املاک می‌کنند. بنده خودم خبردارم که خیلی از ملاکین ملکشان را گرومیگذارند بایک قسمتش را می‌فروشند برای اینکه ملک جدیدی بگیرند حالا دولت بچه ترتیب میخواهد الآن این را بفروشد که مملکت دیگر باین بدبختی نیفتد و پول این خالصه هم دست یکعده اشخاصی نیفتد و املاک هم خراب‌تر نشود بنده هیچ عیبی در این نمی‌بینم که امروز این املاک بفروش میرفت و یک پول نقد خیلی خوبی هم از برای بانک فلاحی جمع میشد و بعد هم این املاک را آباد میکردند ولیکن این ترتیب که ممکن نیست پس یا اینکه شما می‌آئید این املاک را چند قسمت میکنید و در هر سالی یک قسمت از آن را می‌فروشید و یا اینکه پولش را باقسط میگیرید و بعقیده بنده از این دو صورت دیگر بیرون نیست و در هر حال هر کدام از این دوشق باشد غلط است چرا برای اینکه اشخاص که ملک زیاد دارند یا اشخاصیکه تفنن میکنند و در شهر نشسته‌اند میگویند خوب چه عیب دارد ما می‌آئیم و این املاک را باقسط میخریم و البته جز این قبیل اشخاص کس دیگری هم نمی‌تواند بخرد بنده بایکی از اعضاء دولت در اینموضوع صحبت کردم گفتند ممکن است که ماحق تقدم را بزاریم و اگر گذار کنیم یعنی آن زارعی که در آن ملک رعیتی میکند او حق تقدم داشته باشد ولی این مسئله تعارف است از حیث اینکه عملی نیست. الان آن زارعی که در فلان ملک کار میکند استطاعت ندارد که شما بگوئید تو حق تقدم داری اینملک را بخر پس بنده گمان میکنم یک ترتیبی رامحل خواهد بود برای اینکه هم دولت از گیر خالصه خلاص شود و هم یک طوری نشود که باعث خرابی املاک شود و آن این است که ما عجله در اینکار نکنیم و می‌آئیم املاک خالصه را ترتیب قره‌پشک که البته آقایان اطلاع و سابقه دارند که این ترتیب قره‌پشک چه در املاک اربابی و چه در بعضی نقاط سابقه دارد و در املاک خالصه هم این ترتیب معمول است و در آنجا هائیکه این ترتیب را قرار داده‌اند بتجربه معلوم شده است که ملک آبادتر شده و رعیت هم استطاعتش بیشتر شده است و بطور اجمال ترتیب قره‌پشک این است که عرض میکنم، که این ملکی را که اسسال رعیت می‌کارد طوری نشود که در سال بعد آنجا را از دستش بگیرند و یک جای دیگر بهش بدهند خیر همان محلی را که پارسال کاشته است اسسال هم در همانجا زراعت میکند و البته اگر این ترتیب شد و رعیت دید خودش و خانواده اش در این محل معین باید زراعت و زندگی کند و عوض نخواهد شد قطعاً بیشتر جدیت میکند و بیشتر زحمت میکشد که آن ملک آبادتر بشود چون می‌بیند بالاخره عایدی آن بخودش میرسد و در بعضی نقاط من جمله در شهریار و ساوجبلاغ و در یک قسمت از ورامین این ترتیب معمول است و بالاخره بطور محسوس ثابت شده است که املاکی که قره‌پشک شده است آبادتر شده است و بنده تصور میکنم باید این معامله را تعمیم داد و دولت تصمیم بگیرد که املاک را در تمام نقاط ایران قره‌پشک بکند پس از اینکه قره‌پشک کرد و چند سالی

گذشت و رعیت جانی گرفت و استطاعتی پیدا کرد آنوقت آن املاک را بهمان زارعی که در آن املاک زراعت میکنند باقسط بدهند و پولش را در یکمدتی بگیرند ( البته در یکفا صله محدودی که فوق العاده زیاد هم نباشد) که هم ما از گیر این خالصه خلاص شده باشیم و هم اینکه بالاخره مردم این مملکت یک راه اعاشه بطور منظم و صحیحی داشته باشند بواسطه اینکه میدانند خودشان مالک هستند و قطعاً از حیث انتظارات هم که حالا نمیخواهم عرض کنم برای سیاست مملکت بهتر است و ممکن است سرمایه را هم که برای بانگ میخواهیم از محل دیگری پیدا کنیم تا بعد که این املاک بفروش رفت و پولش جمع شد در یک صندوق بالاخره آن صندوق هم میشود صندوق فلاحی ولی اگر بخواهید غیر از این بکنید نتیجه اش معلوم است که چه میشود و از حال پیش بینی میشود که یکعده از اشخاص می‌آیند بخیال ملک داری می‌آیند و شاید یکعده شان هم سابقه بملک داری ندارند و از طرف دیگر خود این مسئله باعث تنزل قیمت سایر املاک میشود زیرا وقتی که یکمقدار ملک وارد بازار ملک فروشی شد (مثل اینکه هر جنسی که زیاد شد طبعاً قیمت آن تنزل پیدا میکند) بطور کلی قیمت ملک ملاکین تا یکمدتی تنزل پیدا میکند و بالاخره یکمقدار ملک خراب از دست دولت بدست یکعده اشخاص دیگری افتاده است و باینجهت است که بنده تصور میکنم باید قطع نظر از قضایائی که بطور سرسری نگاه میکنیم بکنیم و در این مورد بخصوص آقایان مطالعات بیشتری بفرمایند و همچنین یک دقت‌های بیشتری چه از طرف وزارت مالیه و چه از طرف هیئت دولت در موقعی که میخواهند این لایحه را تهیه کنند بفرمایند و این مسائل را در نظر بگیرند و مخصوصاً مطالعاتی در اداره مالیه بمسئله قره‌پشک که فعلاً هم موجود است بفرمایند و عجله نداشته باشند در این کار و بالاخره بخیال اینکه از توی جاله در بیایند توی چاه نیفتند. این بود عرایض بنده بطور کلی.

رئیس — آقای بهار (اجازه)

مدرس — بنده هم اجازه خواسته بودم

بهار — اگر آقای مدرس فرمایشی دارند ممکن است عوض بنده بفرمایند.

رئیس — (خطاب بقایای مدرس) بفرمائید.

مدرس — عرض میشود آن روزی که آقای فهیم‌الملک نطق میفرمودند یکماده را نسبت دادند به بنده که نمیدانم کدام ماده بود ولی خصوص اینماده خالصه یک عقیده پیدا شده است عقیده جمعی. اولاً پروگرام را چه دولت بدهد و چه مجلس تصویب کند باید بمقتضیات و احتیاجات دقت بالخصوص باشد که ببینیم امروز چه باید بکنیم که از برای مردم نفعی متصور باشد و ضرری هم متوجه نشود. مطابق تجربیاتی که در مملکت بالخصوص دیدیم (حالا شاید در سالک دیگر هم اینطور باشد) این است که دولت نه ملاکی میتواند بکند نه تجارت میتواند بکند نه چارو داری میتواند بکند و نه اتومبیل رانی و تاکنون هر چه کرده است دیدیم ضرر کرده است (بعضی از نمایندگان صحیح است) دولت در حقیقت باید شبان ملت باشد یعنی مرتع خوب. اسباب خوب. وقت

خوب تهیه بکنند و در آنها نظارت داشته باشد که آنها بتوانند زندگی بکنند و در واقع نوکر ملت است. اساساً من عقیده‌ام این است که ملک‌داری را چه بفرموده آقای داور قراپشک کنندوزرع کنند و چه مثل حالا بلوک بلوک باشد دولت نمی‌تواند اداره کند و در این سنوات دیدید که هر وزیر مالیه آمد هر مستخدم خارجی هم آوردیم فائده نکرد. حالا هم البته تصدیق می‌کنید که ما آمده‌ایم بمقتضیات وقت این کار را بکنیم زیرا امروز احتیاج ما باقتصادیات و توسعه زندگی از برای عموم فوق‌العاده است و این در واقع از اهم امورات یعنی شب‌روز اگر دولت بخواهد کار بکند باید در این موضوع کار بکند مجلس هم اگر بخواهد کار بکند باید در این مرحله کار بکند و این ماده هم برای این کار نفع دارد و ضرر ندارد. من خیال می‌کنم حالا شاید دولت با آقایان و کلاء در این مسئله امعان نظر فرمایند و بعد کیفیت تنظیمش را بیاورند ولی من چون خودم صاحب این عقیده بودم یکماه قبل با دکتر میسپو دو ساعت در این موضوع مذاکره کردم. البته باید بمزایده گذارد. البته باید مهلت و مدت درش گذاشت البته باید سنواتی بگذرد تا آنها بفروش برود. البته باید رعیت محل را اگر قدرت دارد او را مقدم داشت. این شرایط را دولت باید در نظر بگیرد و در تقدیم این لایحه یقیناً باید منظور نماید. آقایان فرمایشاتی که میفرمایند کانه نقطه نظرشان باین املاک سزوعی است ولی بنده می‌خواهم عرض کنم که خالصه دولت و مالیه دولت انحصار باین املاک و اراضی سزوعی ندارد. اینقدر اراضی و املاک با اربابناهای بائر دارد که چه عرض کنم. شما ملاحظه فرمائید آن مالیاتی را که در آن دوره لغو کردیم اینقدر ابنیه در این راهها ساخته‌اند و الان بائر افتاده است که اسامال تمام خراب میشود و از بین میرود. اینقدر کاروانسراهای مخروبه در این اطراف هست که همه بدون صاحب افتاده است و بنده عقیده‌ام این است که بجای اینکه آقایان در این ساده نوشته‌اند (فروش) حق این بود که بنویسند نقل و انتقال و بلکه حراج کنند و لولایکه مشتری پولی هم پیدا نشود مجانی بدهند بواسطه اینکه آن بنائاتی که ساخته‌اند و در فلان بیابان افتاده و الان بائر است شاید اگر بیکمی مجانی دادید دارد آنجا را قهوه‌خانه بسازد و پهلویش زندگی کند والا هیچ‌قابل اینکه یقراں پول هم بدهند نیست. اساساً معنی اقتصاد این است که ما نسبه را نقد کنیم و خراب را آباد کنیم. شما میفرمائید اگر این املاک خالصه بدست مردم بیفتد خراب‌تر از این قسمتی که دست دولت است میشود. بنده که گمان نمی‌کنم.

بنده همی‌نقدر می‌خواهم عرض کنم که اگر الان دولت ده خروار میکارد و پانزده خروار بر میدارد من اگر به بنیم یک نفرده خروار میکارد و شانزده خروار بر میدارد من او را مقدم میدارم چرا؟ برای اینکه آقا ملکی هم که دست مردم باشد مال دولت است دولت جدا نیست از ملت. مات هم جدا نیست از دولت اگر ملت چیز داشته باشد دولت چیز دارد اگر دولت فقیر باشد ملت فقیر است. بنده عقیده‌ام بر حراج و مزایده است و اگر یک‌دهی بتقویم برسد و صد هزار تومان قیمت کنند و آن را بخواهند به پنج هزار تومان من

موافقم که بدهند چرا؟ برای اینکه هر کس در این خالصه‌جات و اوقاف ایران سیر کرده است که تقریباً ثلث ایران را تشکیل میدهد دیده است که تمام خراب است و مردم هم بی‌کار. من اگر ارباب بودم ده نفر رعیت را دوازده نفر میکردم و برای مردم کار پیدا میکردم الان ملکی که صد خروار عایدیش است اگر دست خود آقای داور باشد اگر دست من باشد که از هیچ چیز هم سر رشته ندارم قطعاً صد خروار را صد و پنجاه خروار میکنم. اینها بعقیده بنده واضحات است و البته همینطور که فرمودند باید شرایط خوب و وضعیات خوب اختیار کرد که زود فروخته شود یا مجانی شود یا بعقیده من در مقابل حقوق بدهد کی است که بر ندارد؟ بنده سالی هزار تومان از دولت حقوق می‌گیرم. دولت باید صد دینار صد دینار از مردم بگیرد و من بدهد اگر در عوضش دولت یک تکه ملک بمن بدهد بگوید برو زراعت کن و مالیات بده این نفع هشت طرفی دارد یکی مستمری دارد. یکی مثل من این سالی هزار تومانی که باید بمن بدهد یا حق یا باطل یا خوب و یا بد هر چه هست اگر بمن که هزار تومان میدهد بزیدی که صد تومان میدهد بگوید این سه دانگ ملک را بگیر برو زراعت کن و مالیاتش را بده و صاحب دولت شوزوری دارد؟ این منفعت ده طرفی دارد. بعقیده من مانی توانیم پول از خارج بیاوریم اقتصادمان را درست کنیم. مانی توانیم پول قرض کنیم اقتصادمان را اصلاح کنیم و بهترین شقوق این است که این املاک خالصه. این بناهای بائر یا غیر بائر این بناهایی که شما دارید و همه روی خرابی دارد برود اگر مجانی بدهید بیک کسی البته آبادش میکنند. و میرود توش می‌نشینند.

بلی شرایطش را بنده تصدیق میکنم که باید یک شرایط سهل و آسانی باشد. بنده با دکتر میسپو مذاکره کردم اگر ده ساله یک سلکی را کسی بخرد و زراعت کند و از پرتوش منافع بدولت بدهد و آن منافع را در بانک فلاحتی بگذارند عیبی دارد؟ بنده که گمان نمی‌کنم. زیرا این مسئله نفعش معین است و بعقیده بنده ضرر ندارد. لهذا کاملاً بنده این ماده را عملی میدانم. و تدریجی راهم اگر نوشته بودند خودش قهراً تدریجی بود.

وزیر مالیه— بنده تذکراً عرض میکنم این تذکری که آقای داور راجع بشرائط اظهار کردند و آقای مدرس هم فرمودند این شرایط کاملاً در نظر هست و بالفعل هم مشغولند برای تدارک این موادی که برای این موضوع لازم است و بعد از آن که آن قانون در مجلس آمد البته در جزئیاتش آقایان نظریات خودشان را اظهار خواهند کرد فرمود.

جمعی از نمایندگان— مذاکرات کافی است.

رئیس— قسمت پنجم قرائت میشود.

(بعضیون ذیل خوانده شد)

ه— تأسیس بانک دولتی با یک شعبه رهنی که پیشنهاد

آن فوراً تقدیم خواهد شد.

رئیس— آقای فرمند.

فرمند— عرضی ندارم.

رئیس— آقای ارباب.

ارباب کیخسرو— عرضی ندارم.

رئیس— آقای آقا سید یعقوب (اجازه)

آقا سید یعقوب— بنده اساساً با این ماده موافقم زیرا اگر این ماده عملی شود مسلم است خیلی خوب است. این مسئله که میفرمایند بانک تأسیس کنیم مثل همان مسئله ایست که میگویند قرضه چلو را به چه ترتیب مینویسند. میفرمایند ما بانک دولتی تأسیس میکنیم اما توضیح ندادند آقای وزیر مالیه که این بانک سرمایه‌اش از کجا است و چه ترتیب است و لایحه‌اش هم نیست که ما در آن صحبت کنیم همینقدر یک الفاظ و عباراتی در اینجا بنده می‌بینم که مینویسند بانک تأسیس میکنیم. البته این عبارت خیلی خوب است که ما بانک رهنی داشته باشیم در وزارت فوائد عامه آقای داور بود که بنده خدمتشان رسیدم فرسودند قراری گذاشته‌ایم که هفتاد و پنج هزار تومان از پول قشون برداریم و یک بانک رهنی درست کنیم من بحسب عقیده خودم دعا کردم بواسطه اینکه قرضه بدیختی مردم را گرفته است و حقیقه این شعبه‌های بانگهای رهنی خانه‌های مردم را خراب کرده‌اند و هر کس در سر این کوچه‌ها و گذرهای طهران نگاه می‌کنند می‌بیند که این بانگهای رهنی چه به سر مردم می‌آورند که حقیقه رقت‌آور است و این بالاترین قدمها است و عملی هم بود ولی حالا این بجهت ترتیب عملی میشود بنده نمیدانم و اگر آقای وزیر مالیه عملی نکردند چه مجازاتی خواهند دید این را بنده می‌خواهم جواب بدهم.

وزیر مالیه— از بیانات آقای آقا سید یعقوب معلوم میشود که در اینباب بکلی موافقت و چون موافقت خیلی هم عجله دارند و می‌خواهند پیش از ذکر ماده این کار انجام بگیرد. این است که بنده پیش از ذکر ماده پیشنهاد آن را تقدیم میدارم که بدانند ترتیبش را هم داده‌ایم که انشاء الله تصویب و اجرا شود.

جمعی از نمایندگان— مذاکرات کافی است.

رئیس— قسمت ششم.

(بشرح ذیل خوانده شد)

۶— تهیه و تقدیم لوایح لازمه برای اصلاحات راجعه بامور

مالیه که عملاً ضرورت آنها ثابت گردیده است.

رئیس— آقای ارباب (اجازه)

ارباب کیخسرو— بطوریکه قبلاً خواه از طرف بنده و خواه از طرف سایر آقایان عرض شده است بدیهی است مذاکراتی که اینجا میشود بقول آقای رئیس‌الوزراء برای حلایه کردن است و اگر نظریاتی باشد بعرض برسانند. اینجا موضوع مالیه بدیختانه یا خوشبختانه قسمی پیش آمده است که این لغت بگوش هر کسی میرسد یک حال دیگر پیدا می‌کند در صورتی که واقعاً یکی از اصول اساسی مملکت است که هر قدر آن اصلاح شده باشد و هر قدر آن بجای خودش قائم باشد سایر اصول مملکت در جای خودش قائم است البته مایک وقتی در نظر گرفتیم که متخصص بیاوریم برای اصلاح مالیه مجلس هم همیشه کمال موافقت ردا داشته است برای اینکه امور مالیه بدست متخصصین اصلاح شود و تا اندازه هم متشکریم که تمرکز مالیه داده‌اند ولی بقدری خرابی در مالیه هست

که حقیقه نمی‌توان بشرح درآورد و نمیدانیم کدام قسمتش را بگوئیم. اینجا اولاً لازم است عرض کنم:

بعضی از مدافعین وقتی که اینجا تشریف می‌آورند بیاناتشان راطوری میفرمایند مثل اینکه ما مخالفیم ولی بنده خودم از اول عرض کردم که با دولت موافقم و آنچه را که اینجا عرض میکنم برای تذکرات و آنچه را که دولت وا کثرت صلاح بداند من مطیعم. در اینجا گفته شد که همه این دردها را مجلس و مملکت میداند. بنده بنام نمایندگی مملکت و مجلس تذکر داده و میدهم برای اینکه دولت متوجه باشد که این تسمتها را در نظر بگیرد و آن کسانی که اینجا اظهار کردند آقای رئیس‌الوزراء عین پرگرام هستند البته صحیح است و کمال اطمینان هم حاصل است ولی این را هم باید عرض کنم که ما اشخاص خوب را برای اجرای قانون مشروطیت می‌خواهیم و همه اینها را برای راحتی ملت و مملکت. اینجا یکی از آقایان که مذاکره میفرمودند در عین حال به بنده اعتراض میکردند که چرا عرض میکنم فلان چیز داخل در پرگرام شود و میفرمودند حالا لازم نیست اینها را دولت در پرگرامش ذکر نماید.

مثلاً مسئله عریضه تجار که بنده آن را عین پرگرام میدانم میفرمایند حالا ذکرش لزومی ندارد یا فرضاً اگر چیزهای دیگر را بگوئیم لازم است میفرمایند حالا ضرورتی ندارد. یا اگر بنده بگویم اشیاء تجملی خانه این ملت را خراب کرد شاید در عین حال بفرمایند لازم نیست یا فلان آقا پیشنهاد میکند که فلان نقطه مدرسه دارالمعلمین باشد البته نمی‌گویم لازم نیست ولی وقتی که آن لازم شد آنوقت این عریض بنده هم لازم میشود پس در هر صورت هم آنها لازم است و هم اینها لازم است و هر دو هم تذکر است. اینجا نوشته شده است لایحه راجع باصلاح مالیه پیشنهاد خواهد شد این یک چیزی است که هم خیلی کش بر میدارد و هم خیلی دائره‌اش کم است. بنده اینها را که عرض میکنم برای تذکر است و البته اگر دولت اینها را در نظر دارد که گمان نمی‌کنم کسی مخالف باشد و اگر در نظر ندارد که عرض میکنم تذکر است.

آیا مقصود از این اصلاح چه چیز است؟

اصلاح تشکیلات مالیه که ناقص است یا جلوگیری از اجحاف و تعدیاتی که بامورین مالیه مینمایند اگر این است که بنده هم موافقم. آیا ارجاع حساسه عمومی بدیوان محاسبات است که وجود ندارد؟ اگر آقای رئیس‌الوزراء و مجلس این نظر را دارند که بنده هم همین آرزو را دارم و کاملاً موافقم که رسیدگی بمحاسبات چند ساله مشروطیت بشود که هنوز تفریح آن بمجلس نیامده است و همه روزه اینجا تصویب میشود که فلان قدر داده شود اگر مقصود اینها است؟ که بنده کاملاً موافقم چون گرفتن از سردش درست است ولی حسابش با کرام‌الکاتبین است. آیا عدم تبعیض است نسبت بمستخدمین و حقوق دادن بدون تبعیض به اجزاء؟ که بنده هم موافقم زیرا بطوریکه بنده میدانم قانون استخدام در بعضی وزارتخانه‌ها مورد توجه است ولی در وزارت مالیه کمتر طرف توجه است و اگر آقای وزیر مالیه مثل

سابق تشریف بیاورند اینجا و بفرمایند قوانین مجلس کاملاً بموقع عمل گذارده میشود که بنده تردید نمیکنم.

فرمودند قوانین کاملاً بموقع اجرا گذارده میشود. اینجا دوجور قانون داریم یکی قانونهایی است که مجلس وضع کرده است. یک قوانینی هم هست که خودشان آنجا وضع کرده‌اند. و حالا چند تا را بنده بطور مثال عرض میکنم. مثلاً تصویب‌نامه یا قانونی وضع میشود که باید مردم سالیات خودشان را مضاعف بدهند. چرا بابا؟ بالاخره همان مثلی است که آقای مدرس فرمودند و آن قضیه شتردار اصفهانی و یزدی که چوب احتیاطی میزد. اینها هم برای اینکه شاید یک کمی بقایای مالیاتی داشته باشد میگویند همه مالیات را مضاعف بدهند. این چیز غریبی است!! یا اینکه هیچ مالکی حق ندارد یکدانه گندم یا جو از سلک خودش پارکند آنوقت باید رعیت بیچاره سرگردان بشود و فرسخها برود تا جوازش را از مالیه بگیرد برای چه؟ برای اینکه شاید یک مالکی یا یک رعیتی بقایا داشته باشد. آقا! قدرت مالیه بقدری است که هرچند میخواهد میکند نکاشته سیدرود!! اسلاک را ضبط میکند!! خرمن را توقیف میکند!! در این صورت چه‌گونه نمی‌تواند بقایا را وصول نماید؟ این هم حرف شد؟! سالیات را مردم احتیاطاً مضاعف بدهند برای اینکه شاید یک کسی بقایا داشته باشد!! یکی دیگر از مشکلات مالیه مسئله ارزاق است آیا منظور رسیدگی بحساب آن و اصلاح آن است؟ بنده یکروز بخود رئیس کل مالیه که اطلاعات از یک مجاری رسمی به بنده رسیده بود که در یکی از دوائر ارزاق نود هزار تومان اختلاس شده است حالا بنده اسم نمیبرم ولی از خود مقامات رسمی بنده شنیدم که خیلی بیش از اینها است.

حالا مسئله اختلاس را عرض نمیکنم ولی باید دید که سال گذشته باعث خساراتی که بدولت وارد آمد و راجع بارزاق بود کیست؟ زیرا اگر بموقع تهیه خودشان را از حیث ارزاق دیده بودند نه محتاج بان همه‌مه بودند و نه این قضایا پیش می‌آمد و این خسارت هم بدولت وارد نمی‌آمد. مثلاً دائره نقلیه که تشکیل دادند متجاوز از یک میلیون مصرف آنها شده است و الان کامیونهای که تهیه کرده‌اند آنجا افتاده است و بحراج گذارده‌اند و کسی نمی‌خرد. آیا مقصود رسیدگی به آنها است؟! و همچنین محدود کردن آنها بحدود معین و بقوانینی که تصویب شده است میباشد اگر این طور است که بنده هم موافقم. آیا رسیدگی بتظلمات عمومی است؟ از مالیه اشخاص زیاد و بیحساب تظلم دارند. بموجب قانون اساسی سرج تظلمات عمومی عدلیه است و هیچ استثنائی در آنجا نگذاشته است که اگر کسی از مالیه تظلم دارد نرود آنجا. ولی متأسفانه وقتی هم که میروند تظلم می‌کنند و محکوم میشوند آنوقت تازه از وزارت مالیه مینویسند قوانین عدلیه را در موضوع مالیه ما برسمیت نمی‌شناسیم خیلی عجیب است. انشاءالله دروغ است. اگر اداره رسمی دولتی بگوید سرج تظلمات عمومی را که یک اصل بزرگ از قانون اساسی است که تفکیک میکند قوا را از یکدیگر برسمیت نمی‌شناسم پس برای کیست؟ برای همان ریسمان دزد است بنا بقول آقای دکتر مصدق؟ اینجا

در ضمن فرمایشی که یکی از آقایان در جلسه گذشته می‌فرمودند فرمودند که وقتی آقای دکتر مصدق در زمان وزارت مالیه‌شان ماده واحده پیشنهاد کردند قوانین صورت دیگر خودش گرفت. خیر قوانین صورت دیگری بخودش نگرفت و قوانین کاملاً بر جای خودش در کمال استحکام است. قوانین آن روزی نقض میشود که نظیر آن یک‌ساده بیاید در مجلس و تصویب بکنند که فلان قانون نسخ شد بنابراین قوانین در جای خودش در کمال اعتبار و استحکام باقی است تا موقعی که از طرف مجلس نسخ شود و وزارت مالیه مکلف است قوانین مجلس را محترم بشمارد و اگر نظریه دارد باید پیشنهاد بکند. پس در هر صورت آن قوانین در جای خودش محکم است ولی نهایت چیزی که هست این است که اجراء قانون بر سبیل اراده اشخاص بوده است. مثلاً میل داشته‌اند یکی را مقدس دانسته‌اند یا یکی را لازم الاجراء ندانسته‌اند مثل اینکه وقتی که قانون ۲۳ جوزا راجع بشوستر نوشته شد مقدس بود و هر قانون دیگری هم که اینجا آمد و گذشت باز آن قانون ۲۳ جوزا محترم بود حالا هم قوانینی که میگردد همین صورت را دارد. این بود. یکی از عرایض بنده که در کلیات عرض کردم که این قوانینی که تصویب شده است اگر دولت قابل الاجراء میدانند باید اجراء کنند چون مکلف است با اجراء و اگر اصلاحاتی در آن لازم میدانند آنها را پیشنهاد کنند تا آن اصلاحات را مجلس انجام دهد ولی بمیل و اراده خودش قانون تصویب شده را آنجا نگذارد و بگوید که من صلاح نمیدانم اطاعت آن را بکنم. این کاملاً مخالف با مشروطیت است یعنی من مشروطیت را صلاح نمیدانم. از اینجهت است که بنده عرض میکنم اگر نظریات دولت راجع باین قضایائی است که عرض کردم و راجع باین نوع اصلاحات است که بنده عرضی ندارم و کاملاً موافقم ولی اگر یک نظریات دیگری است استدعا میکنم توضیح بفرمایند تا آنوقت اگر بنده نظری دارم عرض کنم. اگر چه راجع باین قسمتها بقدری در نظر دارم که شاید هیچ مصلحت نباشد عرض کنم و بوجه هم در پیش است و انشاءالله در آنجا صحبت میکنم. بهر صورت ما چه میخواهیم؟ از تنقیدی که در اینجا میشود ما چه میخواهیم؟ نتیجه‌اش اصلاح مالیه برای مملکت است و بالاخره آن نتیجه صحیحی است که گرفته بشود و البته مجلس بدولت هیچ نظرسوئی ندارد و اینهایی را هم که عرض کردم برای تذکر است و اگر دولت هم همین نظریات را دارد که بنده عرضی ندارم. وزیر مالیه - آقایان تصدیق میفرمایند که استخدام مستشارهای آمریکائی برحسب قانون شده است و تشکیل کنترات آنها و شرایطی که برای آنها مقرر شده است از تصویب مجلس شورای ملی گذشته است و بنده تصور میکنم یکی از خدماتی که مجلس شورای ملی باین مملکت کرده است همین استخدام مستشارها است. برای اینکه همه کار را نباید تنقید کرد و در کارهایی که اتفاق می‌افتد در یک مملکتی البته باید خیر و صلاح را سنجید معایب را هم سنجید وقتی که خیر و صلاح و معایب تشخیص داده شد آنوقت قدم بگذارند باصلاح معایب. راجع بمستشاران آمریکائی که عبارت از دکتر میلیسپو و سایر مستشارهای

آمریکائی است که بایران آمده‌اند بنده نمی‌توانم قدرشناسی نکنم برای اینکه تمرکز عایدات دولت و رساندن وجوهات مملکتی اینها یک چیزهایی بوده است که سابقه در ایران نداشته است و بقدر مقدور زحمات خودشان را در این قسمت کشیده‌اند و باصحت کامل مشغول انجام وظیفه هستند. پس باید اهل این مملکت از یک خادمینی که بطور صحت و اسانت صرف اوقات میکنند برای اصلاحات مملکتی قدرشناسی بکنند. آقای ارباب راجع بقانون اشاره فرمودند و اظهاراتی داشتند. بنده که غیر از آن چیزی که در مجلس میگردد چیز دیگری را قانون نمی‌دانم. آن چیزهایی که در وزارتخانه‌ها یا ادارات وضع می‌کنند آنها قانون نیست. آنها نظامنامه است. همان نظامنامه‌ها باید ترسید.

(صدای زنگ رئیس)

وزیر مالیه - و تصور می‌کنم که قانون آن چیزی است که از تصویب مجلس می‌گذرد. البته یک معایب و چیزهای فرعی هم در ادارات اتفاق می‌افتد و در ایران تنها هم نیست در جاهای دیگر هم هست. هر کس خارجه را دیده است می‌داند ولی البته این معایب را باید اصلاح کرد و نمی‌توان در مصالح مملکتی به این نظر آن اصول راهم فدای این فروع کرد. اینکه دولت در اینجا پیشنهاد کرده است البته خاطر محترم آقایان مسبوق است که در پروگرام دولت همیشه کلیات را می‌نویسد و در تحت آن کلیات یک مسائل جزئی هم هست که باید اقدام کرد و انجام داد پس به‌طور کلی یک لفظ جامعی را ذکر می‌کنم که آن مسائل را حائز باشد و البته در صورتیکه قوانین دیگری هم هست که در آنها هم ممکن است این مسائل جزئی ذکر شود دیگر سزاوار نیست در پروگرام ذکر شود این است که هم دولت و هم مستشاران آمریکائی و هم خود دکتر میلیسپو ملتفت این مسئله هستند و البته چیزهایی در مالیه است که محتاج به اصلاح است و این ماده هم که اینجا ذکر شده برای اصلاح معایبی است که مستشاران در جریان کار دیده‌اند و به آن برخورد کرده‌اند و البته آنها مطیع دولتند و خودشان در نظر گرفته‌اند که با دولت موافقت بکنند و این مسائل را اجراء کنند که هم جلب رضایت مردم را کرده باشند و هم نظر مجلس را جلب کنند و اینها مسائلی است که دولت لازم می‌داند که ادارات مالیه‌اش یک طوری بشود که هم اسباب انتفاع مملکت باشد و هم موجبات آسایش مردم فراهم شود برای اینکه این یک اداره است که برای خیر عموم است و دولت کمال جدیت را دارد که در این باب اقدام بشود و مستشاران مالیه هم کاملاً متوجهند و البته امیدواریم مسائل طوری شود که اسباب رضایت عموم باشد.

ارباب کیخسرو - عرایضی که بنده عرض کردم طرف بنده وزیر مالیه بود و بنده نظرم به امریکائیها نبود زیرا مجلس همیشه با وزیر و وزارتخانه طرف است و بنده اینجا داخل در موضوع امریکائی و متحدین امریکائی نشدم و مخصوصاً گفتم که به مالیه تمرکزاتی داده‌اند. مجلس هر وقت طرف است با وزیر آن وزارتخانه طرف است نه با اشخاص دیگر.

رئیس - آقای فهیمی (اجازه)

فهیمی - در تعقیب بیانات آقای ارباب بنده انتظار داشتم که آقای وزیر مالیه بیشتر از این وعده اصلاح معایب مالیه را می‌دادند لیکن بعضی قسمتهای فرمایشاتشان بنده را مجبور کرد که فرمایشات آقای ارباب را تعقیب کنم مطابق فرمایش چند روز قبل آقای وثوق الدوله وزیر عدلیه، منقذ البته باید همیشه معایب و محاسن کار را ذکر کند که دلیل بر بی طرفی او باشد بنابراین بنده هم همینطور عرض می‌کنم: وزارت مالیه و جریان کارهای مالیه بعد از آن مستشارها البته بک بهبودی‌هایی پیدا کرده است از قبیل تمرکز عایدات، پرداخت مخارج، تقطیس مخارج، و اینکه مخارج از حدود بودجه تجاوز نکند و تصویب‌نامه مجلس همیشه محترم شمرده شود و البته این مسائل تا یک اندازه رعایت شده است. لیکن متأسفانه باید عرض کنم که رعایت این اصل در خود وزارت مالیه کمتر می‌شود. مقصود مملکت و مجلس از استخدام چند نکته است یکی اینکه مستشارها چون به‌موجب کنتراتی اجیر می‌شوند و تغییر و تبدیل آنها مطابق تغییرات متوالیه کابینه‌ها نیست دوام خواهند داشت و این ثبات و دوام هر چه باشد اسباب پیشرفت کار است البته باید اصولی را که به‌موقع اجراء می‌گذارند یک مدتی دوام داشته باشد تا نتیجه آن بدست بیاید یکی دیگر اینکه چون آنها متخصصند در کار و آشنا به اصول اداری هستند بهتر می‌توانند تشکیلات ادارات ما را بدهند و اصلاح کنند و دیگر اینکه چون با اشخاص داخل حب و بغض‌هایی نیستند و طرفیت ندارند با کمال بیطرفی آنچه شایسته اصلاحات اداری است با در نظر گرفتن احتیاجات بموقع عمل خواهند گذارد و خصوصیت و خصوصیتی هم با اشخاص نخواهند داشت ولی این نکات در اینجا کمتر رعایت شده است - زیرا اگر ما به تشکیلات وزارت مالیه مراجعه کنیم خواهیم دید تقریباً قسمی است که میلیسپو سرناد متوفی و بعقیده من مرحوم درست کرده است زیرا بعقیده بنده میلیسپو سرناد خیلی خدمت باین مملکت در قسمت مالیه کرده است حالا هم همان تشکیلات است با یک قدری بدتر زیرا مقصود از تشکیلات تشکیل اداره و شعبه و اینها نیست تشکیل ادارات آنچه را که ارکانیزاسیون می‌گویند یعنی جریان امور اداره و وزارتخانه بر روی یک اصولی که کار مملکت و آن اداره بر روی یک جریان صحیحی باشد که مردم بدانند نتیجه کارشان یا احتیاجشان بان اداره چه خواهد شد و محتاج بتوصیه و سفارش و دوندگی نخواهند شد ولی آقایان میدانند بچه نحو کارهای مردم میگردد و خاتمه پیدا میکند - اشخاصی را بنده می‌شناسم که یک سال دو سال است در ادارات مالیه دوندگی می‌کنند و هنوز کارشان بجائی نرسیده و هیچ نمیدانند چه میشود و این راهم عرض می‌کنم که این جریانات و تعویقات طوری نیست که متوجه مستشاران آمریکائی بشود که تصور شود آنها در این باب یک تقصیری دارند...

آقا سید یعقوب - مستخدمند نه مستشار.

فهیمی - مثلاً چه قدر از اسلاک مردم را بعنوان خالصه ضبط می‌کنند بنده در یکی دو ماه قبل باد کتر میلیسپو مذاکره کردم و توضیح

دادم که اسلاکی که فرضاً عنوان خالصه دارد شما که ضبط می کنید مدرکی ندارید باید تحقیق کنید به بینید سند یا مدرکی در دست هست یا نه بعد که معلوم شد اگر مقتضی دانستید حکم ضبط بدهید ولی مأمورین مالیه اگر مختار باشند و آزاد باشند که هرملکی را بعنوان خالصه ضبط کنند اسباب اشکال می شود در اینصورت اگر مالک آن ملک آدم عاقلی باشد دنیا دیده فوراً با مأمور مالیه اصلاح میکند و عمل را ختم میکند والا اگر یک قدری مغرور باشد و رجوع کند بمرکز آنقدر طول می کشد که آن ملک از دست او بیرون می رود پس از مذاکرات اینطور قرار شد که تلگراف کنند بمأمورین که هرملکی را شما تصور میکنید صاحب معینی ندارد و خالصه است دلایل خودتان را ذکر کنید تا بعد ترتیبی داده شود این تلگراف را کردند و درجارید هم نوشتند ولی پس از مدتی باز خود بنده یک تلگرافی داشتم از قوچان که ملک یک شخصی را که هیچ مورد گفتگوی دولت نبود و فرمان انتقال آن معین بوده است رفته اند ضبط کرده اند آخر این مأمورین بالاخره در تحت حکم که هستند؟ چه می کنند؟ کی باید بانها حکم بدهد؟ آن مأمورین هم مطمئن هستند که در مرکز یک دستهای دیگری است که از رساندن عرایض بمقامات عالییه حتی الامکان جلوگیری می کنند این اصول را باید خاتمه داد که مردم مطمئن باشند بمراجعات بدولت در اینجا رؤای مافوق در عمل آلت اغراض اشخاص زیر دست هستند - دیگر اینکه یک ترتیب غریبی در مالیه جریان داشته حالا نمیدانم هنوز همان ترتیب باقی است یا خیر و آن این است که یک نفر مستشار آمریکائی چند نفر آسیستان بعنوان معاون برای خودشان اختیار می کنند و آن اشخاص باسم مستشار امضاء می کنند - یعنی اسم او را در کاغذ مینویسند و امضاء می کنند فلان معاون مینویسد مالک کرمک این مثل این است که بنده بتوانم امضای وزیر مالیه را بنویسم (حاج محترم السلطنه وزیر مالیه) و همین سند باشد - شاید در آمریکا این اصول معمول است که ده نفر اجازه داشته باشند اسم یک شخصی را بجای او بنویسند خوب با این ترتیب مسئولیت چه طور میشود؟ مسئولیت مافوق کجا است و کار مردم در کجا درست میشود؟ البته هرچه را صلاح دانستند امضاء می کنند و هرچه را اصلاح ندانستند نمی کنند در این صورت آن اشخاص بیچاره که دست رسمی بمقام مافوق آمریکائی ندارند تکلیفشان چه خواهد بود؟ همیطور سایر کارهای اداری و محاسبه خیلی نقص دارد - ملاحظه فرمائید از اول مشروطه تا بحال که تقریباً اصل محاسبه بیک شکل جدیدی جریان پیدا کرده است نظیر کسر صندوق اصفهان سابقه داشته است؟ که دویست یا صد و پنجاه هزار تومان کسر صندوق پیدا شود؟ آنهم بایک ترتیب غریبی روز اول که مفتش می رود و راپرت این صندوق را میدهد مینویسد بیست هزار تومان تا بیست و پنج هزار تومان کسر است - همان مفتش متصدی عمل میشود - رئیس مالیه را میفرستد بطهران و عجب در این است که قریب سی چهل روزی که همان مفتش متصدی امر بوده در همان مدت صد و چهار هزار تومان کسر پیدا شده است اول بیست و چهار هزار تومان کسر بوده ولی در مدت

سیاورد برای وصول این مالیاتها؟ رجوع کنید بولایات به بینید چه تحمیلاتی به طبقات زارع و غیره میشود - برای هر عنوانی یک تحمیلات فوق العاده از قبیل سهمانی و چیزهای دیگر بر آنها بار میشود تا صد دینار از آنها وصول کنند الان شروع کرده اند باجری قانون سمیزی - بنده صراحتاً عرض میکنم قانون سمیزی نتیجه نخواهد داد که هیچ، یک صد ساتی هم بمردم وارد میکنند و عایدات دولت را هم کسر میکنند و بالاخره نتیجه هم ندارد زیرا برای سمیزی این ترتیبی که شروع شده است یک اشخاصی را بدون هیچ سابقه و اطلاع از توی کوچی می آورند و میفرستند برای سمیزی آخر سمیزی یک اطلاعاتی میخواهد - سابقه میخواهد و اگر اجزاء و اشخاص و مستخدم بقدر کفایت برای این عمل نیست لازم نیست یک مرتبه شروع کنند - اگر میفرمائید در قانون مجلس دو سال معین شده برای اجرای قانون سمیزی ممکن است وزارت مالیه یک پیشهادی بیاورد بمجلس که چون اسباب اجرای قانون سمیزی برای وزارت مالیه فراهم نیست دو سال دیگر هم تمدید بدهید - مجلس هم کمال سواقت را دارد زیرا مجلس همچو نظری نداشته است که برای اجرای قانون سمیزی قبل از دو سال هر بلائی میخواهند بسر مردم می آورند - مجلس نظرش این بوده است که قانون سمیزی هر قدر زودتر ممکن است اجرا شود ولی برای آسایش مردم حالا گذشته از اینکه در مقابل این مالیاتها یک مخارجی میکنند یک مخارج فوق العاده دیگری هم در جریان است از جمله یکی از مسائل همانطور که آقای ارباب کیخسرو ذکر کردند مخارج اداره ارزاق است اگر آقای وزیر مالیه سونق شدند حساب اداره ارزاق را صورت بگیرند و برای مجلس بیاورند بنده پیشنهاد می کنم که مجسمه ایشان را برای سالهای سال بسازند برای اینکه مطمئنم همچو چیزی نخواهد شد زیرا بقدری مخارج و حساب اداره ارزاق و حمل و نقل مبهم و بی اساس است که هیچ ممکن نیست با همه این رژیمهای محاسب بتوانند سر در بیاورند همانطور که آقای مدرس اظهار کردند لازم نیست دولت چاروا دار باشد اداره حمل و نقل برای چیست؟ یک میلیون و دویست هزار تومان مطابق صورتیکه خودشان دادند از روز اولی که اداره حمل و نقل تاسیس شده است خرج اثاثیه و وسایل نقلیه و غیره کرده اند الان هم از قرائیکه می شنوم قریب شصت هفتاد هزار تومان در ماه مخارج این اداره است - آخر بپرسید عایدات این اداره چیست؟ عایدات این اداره عبارت است از آن کامیونتهائی که آنجا ریخته اند و میخواهند بفروشند خرواری هم کسی نمیخرد و معلوم نیست برای چه اینها را دولت نگاه میدارد!! بدهند بدست مردم و اگر هم میخواهند کار بکنند پیش بینی بکنند بطوریکه نافع باشد نه اینکه یک کمپانی که تمام شده بود و یک مشت ماشین شکسته داشت و میخواست دور بریزد آنچه اسباب از اینجا تا بین النهرین داشت خریدند و رئیس کمپانی را هم ماهی دویست و پنجاه تومان تا چند ماه اجیر کردند - این خصوصیتها برای چیست کجا ملت و مجلس این اجازه را داده بود که تا چند سال این مخارج بیهوده را بکنند اما قسمت سوم که راجع به بیطرفی در مورد اشخاص عرض کردم یک قانونی در دوره چهارم گذشت بعنوان قانون استخدام که

ادارات بتوانند از زیر بار توصیه و سفارش بیرون بیایند و مستخدمین دولت امیدواری بآئیه داشته باشند چه در حال خدمت و چه در حال انتظار خدمت و در موقع ورود بخدمت شرایط معین را داشته باشند و هر روز گرفتاری وزراء را از حیث توصیه و فشار و غیره زیاد نکنند وزارت مالیه البته همانطور که در کتدرت دکترمیلیس پیونوشته شده است باید رعایت و احترام قوانین را همیشه ملحوظ بدارند از جمله قانون استخدام - الان در وزارت مالیه یک اداره درست کرده اند باسم اداره استخدام کشوری یعنی تمام مستخدمین دولت اداره شان آنجا است - بنده در قانون استخدام ندیدم هیچ که نوشته باشد وزارت مالیه مأمور اجرای قانون استخدام است تمام وزراء در حدود خودشان مأمور اجرای قانون استخدام هستند. ملاحظه فرمائید اگر یک اداره در یک وزارتخانه بخصوص تشکیل بشود و تمام مستخدمین وزارتخانه ها مقدرات خودشان را در آن اداره بشناسند دیگر وزراء آنها چه نفوذی در آنها خواهند داشت؟ وزراء که مسعول کارهای مملکت هستند وسایل و ابزار کارشان مستخدمین آن وزارتخانه ها هستند که بایستی کاملاً تابع وزیرشان باشند - مستخدمین وقتی این رعایت را می کنند که بدانند مقدرات آنها ترفیع و تنزل رتبه شان و بیم و امیدشان مربوط است به وزارتخانه خودشان ولی وقتی یک اداره مخصوص برای این کار در یک وزارتخانه مخصوص معین شد و تمام این مسائل بیک وزارتخانه رجوع شد دیگر وزارتخانه آنها چه تأثیری دارد - وزیر باید در مقدرات اجزای خودش اظهار عقیده کند - اینها چه لزومی دارد؟ وزارت مالیه هم باید یک پرسنلی داشته باشد مثل سایر وزارتخانه های یک اداره تقاعدی برای اشخاص که مطابق قانون بعد تقاعد بپرسند یک اداره استخدام کشوری که بگویند در فلان اداره فلان ثبات حق دارد بماند یا نه؟ در این صورت وجود وزیر داخله مثلاً لزومی ندارد - بعلاوه در خود وزارت مالیه هم باز تبعیض در کار است یک عده خیلی طرف توجه هستند چه از حیث حقوق و چه از حیث رتبه چه از حیث فوق العاده اضافه کار و انعامات متوالی فراوان - ولی یک عده دیگر با تمام سوابق - با تمام اطلاعات و چیزهاییکه دارند در وزارت مالیه همیشه مورد همجنس لطفی و عدم التفات باید واقع شوند و بدرک توجه باشخاص عجالتاً شده است زبان انگلیسی که هر کس دو کلمه دانست کاملاً طرف توجه است و همه جور رعایت را مستلزم است ولی اگر ندانست هیچ - همیطور یک عده اشخاصی باسم انتظار خدمت....

رئیس - اصلاً فرمایشات شما مربوط بقسمت شش نیست قسمت ششم بیگوید راجع باصلاح امور مالیه آیا با اصلاح امور مالیه مخالفید....

فهیمی - این مسائل را آیا آقای وزیر مالیه اصلاح....  
رئیس - ممکن است این فرمایشات را در موقع دیگر فرمایید و التکلیف بنده مشکل است این مدجیددی شده است.

فهیمی - اینجا چون نوشته اند لوایح راجع باصلاحات مالیه آیا اصلاحات مالیه این چیزها است که میخواهند آقای وزیر مالیه بکنند - همانطور که در کلیات عرض کردم مواد مبهم است آیا اصلاحات مالیه که یک لفظ مبهم و کلی است اصلاحاتی است که

بنده عرض کردم یاچیز دیگری است؟ این پراگرام اگر یک مقدمه کاملی داشت که تمام این مواد را شرح داده بود بنده میدانستم که مقصود چیست ولی اینکه اینجا نوشته شده است بنده از کجا باید بدانم که این اصلاحات در نظر گرفته شده است یاخیر البته اگر توضیحاتی بدهند که مافانغ شویم عرایض خود را کوتاه خواهیم کرد.

رئیس - تصور میکنم یک نواقصی در تشکیلات اداری وزارت مالیه و عملیاتی که مأمورین مالیه میکنند هست ولی یک قسمت را باید تصدیق کرد که مسیون آمریکائی صمیمانه بمالیه ایران خدمت کرده اند.

جمعی از نمایندگان - صحیح است.

وزیر مالیه - آقای فهیم الملک باز راجع باین ماده شش تجدید فرمودند که ابهام دارد و مصرح نیست در صورتیکه بنده عرض کردم در نوشتن پراگرام مطالب اساسی و رؤس مسائل را ذکر میکنند و در تحت آن یک فروعی است که در موقع عمل بان متوجه خواهند شد. در این قسمت بنده قسمتی از فرمایشات ایشان را یادداشت کردم که جواب عرض کنم لذا خاطر آقایان را مستحضر میدارم که یکی از مسائلی که آقا فرمودند این است که اعضاء جزو از طرف رؤسا امضا میکنند - آنچه بنده در این چند روز دیدم نوشتجات سندی حوالجات و نوشتجاتیکه مورد توجه است تماماً بامضای وزیر میرسد بانفاق دکتر میلیسپو و اجزاء ادارات هیچ وقت داخل امضاء این طور نوشتجات نیستند بلی احتمال دارد که بعضی سوادها یا بعضی نوشتجاتیکه راجع بجزئیات اداری است آنها را امضا کنند و در همه وزارتخانه ها هم همینطور است ولی نوشتجات رسمی را که سندیت دارد اجزاء امضا نمی کنند - و باب کسر صندوق اصفهان که فرمودند - بنده هم البته یک چیزهایی شنیده ام ولی تحقیقی نکرده ام برای اینکه این دوسه روز که وقت نکردیم وغالباً در مجلس شرفیاب بودیم بعد از تحقیق میتوانم خاطر مبارک آقایان را مستحضر کنم که قضیه چه بوده - خرج گمرک و مالیه را که بمقایسه فرمودند تصدیق میفرمائید که مورد گمرک باخالصه و مالیه فرق دارد گمرک در جاهای مرحدی و در محللهای معین است که مشغول کار هستند و البته باید تصدیق کرد که مأمورین گمرک ما هم با کمال صحت و امانت کار می کنند و دولت هم البته از آنها رضایت دارد ولی البته خرج گمرک را با خرج اداره که در هر نقطه و در هرده و قریه و بلوک باید مأمور داشته باشد نمیشود قیاس کرد و باب سمیزی البته خود آقایان میدانند که سمیزی کمال لزوم و اهمیت را برای مملکت دارد و حتی المقدور باید زودتر دست به اینکار زد و معایبی که در امر مالیات ارضی هست رفع کرد و قانون سمیزی هم که در مجلس گذشته است مسلماً آن قانون باید اجرا شود و اجرا خواهد شد حالا اگر یک نواقصی داشته باشد و تذکراتی بدهند مورد قبول واقع خواهد شد. هنوز که این قانون اجرا نشده تا اینکه ما به بنیم نواقصش چیست عجلاله مشغول هستند که حتی المقدور مطابق قانونی که در مجلس گذشته است اجرا شود. در باب ارزاق و اداره حمل و نقل تعرض فرمودند. اگرچه

ایشان همیشه منصف بوده اند. ولی اینجا هم باید انصاف داد که در مسأله اداره حمل و نقل وزارت مالیه در آن موقع هم که بنده نبودم ولی در یک موقع خیلی سختی و بحران شدیدی بود که اگر چنانچه آنها عجله نمیکردند و اقدام نمیکردند و تدارکاتی برای این کار نمیکردند آنوقت مورد مسؤولیت بودند نه اینکه بعد از آنکه یک کاری کردند و یک موقع سختی را گذراندند عوض اینکه از خدمات آنها قدردانی کنند آنها را با یک ایراداتی مواجه کنند در مسأله اثاثیه حمل و نقل که میفرمایند اینجا از بعضی ها خرید شده اینطور نیست یک مقدار زیادی از اینها از خارج آورده شده است با یک سرعتی که بتوانند از جاهای دور حمل ارزاق به طهران کرده باشند و این خدمت نمایانی بود که در آن سریع کردند که تصور میکنم اهالی طهران و بلکه اهالی دهات و بلوکات طهران باید خیلی قدرشناسی کنند که هم ارزاق طهران و دهات را تا بهار رسانیدند و هم به دهات و بلوکات کمک کردند برای کشت آنها و حقیقه آنها یک چیزهایی است که قابل حقگزاری است. راجع به قانون استخدام اظهاراتی فرمودند البته باید خودشان تصدیق بفرمایند چون هم وزیر مالیه بوده اند و هم خیلی داخل اداره بوده اند و میدانند مقصود وزارت مالیه این نیست که استیلاء بر تمام پرسنلهای ادارات و اجزاء وزارتخانه ها داشته باشد بلکه قانون استخدام روحش مربوط میشود به اینکه به اشخاص یک حقوق معینی بدهند...

آقای سعید یعقوب - روحش پول است.

وزیر مالیه - روحش پول است به قول سرکار. وزارت مالیه این روح پولی را چطور میتواند اداره کند؟ ناچار باید یک مرکزی باشد که مقابله کند اشخاص را با سواد آن قانون و بتواند حق آنها را استینا کند لذا باید در وزارت مالیه یک شعبه باشد برای این فتره و در این مسأله تصور میکنم وزارت مالیه یک خدمت بزرگی به اجرای این قانون کرده است ولی البته اگر یک نواقصی در قانون هست به عرض مجلس خواهد رسید و در مالیه هم اگر یک نواقصی هست بعد عرض خواهیم کرد اما این فتره بطوری که آقای فهیم الملک فرمودند به هیچ وجه مزاحم حقوق اساسی سایر وزراء نسبت به اجزایشان نیست. وزارت مالیه ابداً دخالتی نسبت به آنها نمیکند و فقط در مسأله مالیه که حقتش است دخالت میکند.

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است.

رئیس - نسبت به قسمت ششم مذاکرات کافی است؟

(جمعی گفتند: کافی است)

رئیس - وارد قسمت هفتم میشویم.

جمعی از نمایندگان - تنفس.

رئیس - ده دقیقه تنفس داده میشود.

[در این موقع جلسه برای تنفس تعطیل و پس از نیم ساعت مجدداً تشکیل گردید]

رئیس - قسمت هفتم پراگرام دولت قرائت میشود.

(به شرح آتی قرائت شد)

v - تقدیم لوایح تدریجی برای اعطای امتیازاتی که برای

استفاده از منابع ثروت مملکت لازم است و تقدیم و تشویق اتباع داخله از حیث سهولت شرایط.

رئیس - آقای ارباب کیخسرو. (اجازه)

ارباب کیخسرو - البته این نظری که دولت گرفته است خیلی خوب است ولی بنده درست قسمت اول این ماده را نمیفهمم آیا مقصودشان این است که متدرجاً لوایح را خواهند داد یا امتیازات را متدرجاً میدهند؟ خوب هر طور باشد چون اسمی از تبعه داخله هم برده اند برای تشویق آنها باز هم بنده عرض میکنم اینها برای تذکر است و بنده تصور میکنم آن چیزی که لازم است در نظر بگیرند (و البته در نظر دارند و شاید مناسب نباشد این عرض را بکنم ولی چون برای سعادت ملت و مملکت تصور میشود عرض میکنم) حفظ اعتبار امضای دولت است برای اینکه اگر این را به مردم فهمانند مردم حاضر خواهند شد بیایند با دولت طرف معامله شوند. مسأله مسأله معامله است. این یک نظر بنده است نظر دیگر که مقدم بر این میدانیم این است که خوب بود امتیازاتی که داده شده است اینجا ذکر میکردند و یک توجهی میفرمودند ببینند کدام یک به موقع عمل گذاشته شده و کدام گذاشته نشده است. کدام صحیح است کدام صحیح نیست و وقتی که معین کردند کدام امتیاز صحیح است و بموقع اجرا گذاشته شده آن وقت آنهایی که صحیح نیست یا آنهایی که امتیاز داده شده و معطل است و جلوگیری کرده است از استفاده جمعی دیگر ترتیبی برای آنها معین کنند بنابراین عقیده بنده این است که آنها را هم اگر ضمیمه میکردند و شامل همه میشد بهتر بود.

رئیس - آقای بهار (اجازه)

بهار - عرض ندارم.

رئیس - آقای حائری زاده (اجازه)

حائری زاده - در قسمت اول بدیهی است اگر کلمه تدریجی هم نوشته نشده بود لازمه اش تدریج بود زیرا برای تمام منابع ثروت مملکتی یک اشخاصی تا کنون یک پیشنهادهایی تقدیم دولت نکرده اند که لوایحش حاضر باشد و روزی که به پروگرام رأی داده میشود یک مرتبه بیاورند به مجلس باید مشتری پیدا کند. شرکتهای تأسیس شود. مطالعاتی بشود و لوایحی تهیه شود و بیاید به مجلس. بدیهی است که این لوایح به تدریج باید بیاید. یک جمله دیگر که راجع به اعتبار و اهمیت امضای دولت بود متأسفانه من کاملاً با این نظر مخالفم و معتقدم به آنچه که در قانون اساسی تصریح شده و اعطای امتیاز را از دولت سلب کرده و به مجلس اختیار داده ما بایستی دنیا مدلل کنیم که امضاء دولت رسمیت ندارد مگر به تصویب مجلس امتیازات و اختیاراتی که از خصایص مجلس است دولت هرچه امضا بکند دو پول ارزش ندارد و ما زحماتی که اینجا میکشیم برای مدلل کردن این اصل است که هر روز یک زحمتی برای ما درست نشود بدیهی است پس از اینکه امتیازی از مجلس گذشت باید اعتبار داشته باشد و اعتبار هم خواهد داشت.

ارباب کیخسرو - اجازه میفرمائید اینجا سوء تفاهمی شده است.

رئیس - بفرمائید.

ارباب کیخسرو - بنده هیچ در اینجا نظر نداشتم که دولت یک همچو امتیازاتی بدهد بدون تصویب مجلس این از بدیهیات است که هیچکس نمیتواند مخالف قانون اساسی رفتار کند نظر بنده این بود که اگر با تصویب مجلس امضاء بدهد اعتبار داشته باشد. رئیس - قسمت هشتم.

(به شرح ذیل قرائت شد)

۸ - تسریع در تأسیس کارخانه ذوب آهن و شروع به عملیات آن.

رئیس - آقای ارباب کیخسرو. (اجازه)

ارباب کیخسرو - عرض ندارم.

رئیس - آقای آقاسید یعقوب.

جمعی از نمایندگان - مخالفی ندارد.

آقاسید یعقوب - بنده عرضی دارم عبارت غلط است.

رئیس - مخالفی ندارد؟

(جمعی گفتند: خیر)

رئیس - قسمت نهم.

(به مضمون ذیل خوانده شد)

۹ - اصلاح و توسعه راههای شوسه.

رئیس - آقای آقاسید یعقوب. (اجازه)

آقاسید یعقوب - اگر حضرت آقای رئیس یک قدری اظهار مرحمت بفرمایند و بگذارند بنده از موضوع هم خارج نمیشوم. عبارت ماده قبل غلط است (صدای زنگ رئیس) - هزار زنگ هم بزین عبارت غلط است. ماده نهم - اصلاح و توسعه راههای شوسه. اینجا عبارت برسبیل اجمال نوشته شده باید یک مسأله اینجا کاملاً محرز شود. به فرمایش آقای مدرس که آن روز میفرمودند فرق است بین ابهام و کلیات. این عبارتها تمام مبهم است. یک منتقدی که اعتراض میکند از جهت ابهام عبارات است. اصلاح و توسعه راههای شوسه لفظش خوب است اما بچه ترتیب؟ به این ترتیب که راه سازندگان را ساختند که آقای فاطمی شرحش را نوشتند بنده را که که آقای رئیس الوزراء دعوت نکردند و نتوانستم بروم آقای شیروانی! والله بنده نرفتم. اگر این ترتیب راه شوسه درست کردن است؟ بنده عقیده ام اینست که از بس ما یک ملتی هستیم که عاشق به اصلاحات هستیم وقتی که شروع به اصلاحات میخواستیم بکنیم یکدفعه از اینجا پرواز میکنیم به سازندگان. نه، بنده عقیده ام اینست حالا که میخواهیم شروع کنیم درست قدم برداریم. قدم اساسی برداریم نه اینکه اگر بارانی آمد، برقی آمد، به کلی خراب بشود و باز سال دیگر دوسرته بسازند. بنده عقیده ام اینست که قدم بقدم شروع کنیم به ترتیبی که بتوان به آن اعتماد و اطمینان داشت. حالا البته آقای وزیر فوائد عامه توضیح خواهند داد که غرض از این اصلاح و توسعه راههای شوسه چیست. مقصود این است که راههایی که الان شوسه شده است اینها را توسعه خواهند داد یا آنهایی را که هنوز شوسه نشده است توسعه خواهند داد آخر توسعه دو معنی دارد. اگر نسبت به آن راههایی است که نیست باید بگویند ایجاد



راههای شوسه در آنجاهاست که راه شوسه ندارد. اگر اینکه نوشته اند مقصود این است که باید ایجاد بنویسند و اگر نظر به این راههای موجود است باید بنویسند اصلاح و تعمیر راههای شوسه. بنده اصلاً میخواستم بگویم که باید پراگرام طوری نوشته شود که از ابهام و اجمال خالی باشد. طریقتش معلوم باشد که دولت مثلاً در راههای شوسه چه نظری دارد. چه ترتیبی اتخاذ میکند و مأمورینی که برای این راه معین میکند بچه ترتیب باید باشد. اینها باید ذکر شود و الا مکرر عرض کرده ام تمام ماها نمایندگان و دولت و افراد مملکت همه عاشق به اصلاحات هستند ولی با کلماتی که برسبیل کلیات و اجمال گفته میشود مخالف هستیم و باید شرح بدهید تا منتقد نظری که دارد بیان کند و دولت هم بداند کجا نقصان دارد و دیگران هم بفهمند مقصود منتقد غرض نیست مقصود این است که موادی را که برای مملکت نافع است امروز باید دست بدست هم بدهیم اجرا کنیم (آی تو در آنوقت گریه کرده را چوب زن) ما اصلاحات را میخواهیم. دولت خیلی قوی میخواهد اصلاح کند. بنده هم که مخالفان هستم میخواهم اصلاح کنم و آقای مدرس هم که مخالف نیستند میخواهند اصلاح کنند و الا برداریم روزنامجات را پر کنیم و فریاد برزیم این طریقه اصلاح نیست راه آن این است که در اینجا بحث کنیم. این سواد مبهم است. آقای حاج مخبرالسلطنه بیاید جواب بدهد.

وزیر فواید عامه — اولاً بنده در رفع گله که آقای آقا سید یعقوب کردند عرض کنم که وقتیکه بنیاد آقای رئیس الوزراء بروند راه سازنداران را افتتاح کنند چند ساعت فکر کردیم که از آقایان و کلاً چطور دعوت کنیم. دیدیم اگر بخواهیم همه آقایان را دعوت کنیم نه آنجا منزل هست و نه وسیله حمل و نقل این بود که بنیاد هیئت رئیسه را دعوت کنیم که آن آقایان تشریف بیاورند و این را هم خیلی تأسف دارم بعد از اینکه برگشتیم شنیدیم که یک قصوری شده بود در اداره زیرا دعوت نامه مابعد از حرکت ما به آقایان رسیده بود (بنده همچو شنیده ام) و واقعاً اگر اینطور باشد خیلی تأسف دارد زیرا اگر دعوت به موقع رسیده بود البته تشریف میآوردند خیلی تأسف دارم که همچو اتفاقی افتاده است (اگر افتاده باشد) اما راجع به فرمایش دیگرشان آن ایرادی که میگیرند اصلاح و توسعه نوشته شده است در راهها. این اصلاح و توسعه بطوریکه عرض خواهم کرد صحیح است ولی اگر ایجاد راهها هم نوشته شده بود علاوه بر این عیبی نداشت ولی این ماده هر سه قسمت را شامل است. شوسه سازنداران را آقا ندیده اند ولی بنده دیده ام و منحصر به شوسه راه سازنداران هم نیست که بنده دیده ام بنده شاید تمام شوسه هائی که در سوسیس ساخته شده دیده ام و خیلی شوسه هائی که جاهای دیگر دنیا هم ساخته شده دیده ام. این شوسه که در راه سازنداران ساخته شده است بینی و بین الله (بنده که مستصدی نبودم در وقتیکه شوسه ساخته شده است) اما انسان پا روی حق نمیتواند بگذارد بینی و بین الله با این سبلی که خرج کرده اند و در این مدتی که کار کرده اند بنده به آقای رئیس الوزراء هم در راه عرض کردم که مطابق مدارکی که در دست است اشخاصی که

در این راه مستصدی بوده اند و مباشر این کار بوده اند برای اجرت کار نکرده اند یک قدری هم وجدانی کار کرده اند و خواسته اند که این کار بشود. شاید البته یک قدری وطن پرستی و حسن خدمت خودشان بوده است. یک قدری هم توجهات مخصوصه اعلیحضرت بوده است به این تکه راه خصوصاً والا بهمه جا توجه دارند و اما آسدم سر این راه. در طهران همیشه ملاحظه میفرمائید. یک شوسه هست که چهل سال است ساخته شده است مثل خیابان لاله زار و سایر خیابانها که همه ساله اینها را سربست کرده اند با وجود اینکه کوییده شده است معذک هر سال باید اینها را اصلاح بکنند. این اصلاح هیچوقت سوقف نخواهد شد خصوصاً یک راهی را که اسسال ساخته اند البته بارندگی خواهد شد و هر قدر این راه را خوب ساخته باشند یک جاهائی که آب فرو میرود زمین نشست میکند. اینها همه اصلاح لازم دارد. شاید بعضی از آقایان میروند و میآیند و اخباری که میرسد شکایت از این راه هست و باید هم باشد بجهت اینکه این یک راهی است که بعضی جاهایش خیلی خاک دارد. بعضی جاهایش سنگ و شن دارد. اینها ناتمام است. مثلاً از علی آباد تا خود شهر ساری که تقریباً توی جلگه است زمینش گل است و البته وقتی باران بیاید و گل شود اتومبیل نمیتواند عبور کند ولی همانوقت هم که تشریف بردند برای سرکشی و بنده هم در خدمت بودم همانوقت مشغول شده بودند که در آن تکه شروع بکنند به سنگریزی و آن سنگریزی هم حق این بود که تا حال تمام شده باشد ولی بواسطه یک تغییر وضعیتی که در محاسبات ماله راجع به راه شده است و صحیح هم هست و باید رسیدگی بکنند چند روزی قوت شده است در تعمیرات و حالا باز شروع میکنند و آنجاها را ریگ میریزند و درست میشود و اما راجع به توسعه بنده از این یک راهی که ساخته شده حرف میزنم هر چه در این راه هست جای دیگر هم هست. البته در این راه روز اول نظرشان این بوده است که یک اتومبیل برود و یک اتومبیل برگردد. این نظر را گرفته اند و خوب هم ساخته اند ولیکن البته بعضی پیچها هست. بعضی خمها هست که رعایت عبور یک اتومبیل از اینطرف و یکی از آنطرف کفایت نمیکند باید یا از بغل کوه بتراشند یا از طرف دره خاکریزی کنند که توسعه پیدا کند. پس این راههائی که ما ساخته ایم توسعه هم میخواهد اصلاح هم میخواهد البته نمیشود گفت یک راهی است که هیچ تعمیر لازم ندارد خیر تعمیر هم لازم دارد باید تعمیر هم بشود و البته یک راهی که تعمیر لازم دارد دلیل بر این نیست که بد ساخته اند خیر بینی و بین الله راه را خوب ساخته اند و البته تعمیر هم لازم دارد اما آن قسمتی که میفرمائید چرا ایجاد ننوشتید. شاید بواسطه این بوده که خیلی بدیهی بوده است حالا یک ایجاد هم اضافه میکنیم زیرا راه رواندوز است که در دست مهندسین است شروع کرده اند و بیسازند. راه یزد است که باید بسازند و شروع خواهند کرد راه خرم آباد است که مشغول هستند راه ورامین است که مشغولند و کار میکنند خیلی راههای دیگر هم هست که انشاء الله بولمان که زیادتر شد مجلس هم تصویب کند آنها را هم شروع میکنیم و تمام میشود.

یک قانونی بمجلس پیشنهاد بکنند که مجلس بتواند یک صورتی باین کار بدهد که این وجوه از جریان باز نماند اینجایی که از آقایان نمایندگان که مدافع بودند میفرمودند چطور میشود دست زد بقانونی که مجلس وضع کرده است. بنده برای اینکه سوء تفاهم نشود عرض میکنم آن روز هم عرض کردم اگر تأخیری میشود قانونی پیشنهاد کنند و حالا هم همین عرض را میکنم و البته بنده هیچ وقت این عقیده را نداشته و ندارم که برخلاف قانون کاری بشود استدعا دارم این عرایضی که کردم جواب بدهند.

وزیر فواید عامه — فرمایشات آقای ارباب بدو وزارتخانه راجع است یک قسمتش که بنده راجع نیست جوابش را وزارتخانه خودش خواهد داد ولی آن قسمتش که بنده راجع است جواب عرض میکنم. همان وقتی که قانون از مجلس گذشته است دولت اقدامات خودش را کرده است قبل از اینکه بنده مستصدی بشوم در نتیجه اقداماتی که جدیداً در آمریکا شده بود و در بران شده بود متخصصین از برای این کار نامزد شده اند و این ساعت که بنده اینجا عرض میکنم هم متخصصین برلنی وهم متخصصین آمریکائی هر دو اجیر شده اند و شاید برلنی حرکت کرده باشد و آمریکائی چند روز دیگر حرکت میکند و میآیند مشغول کار خود میشوند و بنظر بنده از نقطه نظر کار تأخیری نشده است فقط آن متخصصین برلنی که از کارخانه کروپ پیشنهاد شده است و البته متخصص خیلی عالمی خواهد بود یک پیشنهادی هم کرده است که بر طبق آن پیشنهاد برای اینکه کار از او بیشتر پیشرفت بکند و عقبه کار خود را ببیند سه نفر دیگر را خواسته است که برای این کار استخدام کنند یعنی بعقیده او سه نفر دیگر متخصص لازم است که آن سه نفر اعم از اینکه برای این حاجت باشد یا برای هر حاجت دیگر مملکتی استخدام شود و بنده هم تصدیق دارم که مایک همچو سه نفری را لازم داریم و لایحه او هم تدارک شده است و تقدیم میکنیم که بعد مجلس تصویب بفرمایند دیگر پول را چه کرده اند؟ و کجا گذاشته اند؟ وجه شده است؟ بنده ربطی ندارد.

جمعی از نمایندگان — مذاکرات کافی است.

رئیس — قسمت یازده قرائت می شود.

(بشرح زیر قرائت شد)

۱۱ — استحکام تشکیلات وزارت داخله در تمام مملکت و

تکمیل و اصلاح تأسیسات صحی و بلدی

رئیس — آقای ارباب (اجازه)

ارباب کیخسرو — در قسمت اول بجای استحکام تشکیلات وزارت داخله بعقیده بنده خوب بود نوشته شود «تشکیلات وزارت داخله» برای اینکه وزارت داخله تشکیلات ندارد. تشکیلات وزارت داخله چیست؟ فقط منحصر شده است باعزام حکام!! تازه حکام که میروند چکار دارند؟ پس در واقع برای وزارت داخله تشکیلات جدیدی لازم است که همانطوری که همه جای دنیا کار میکنند ما هم بمقتضیات مملکتان ببینیم چه تشکیلاتی باید وزارت داخله مان داشته باشد که یک استخوان بندی صحیحی بشود و فقط فقط بسط نباشد. قسمت دوم راجع بصحیه و بلدی است. البته

رئیس — راجع بهیئت رئیسه چون بقید تردید تلقی کردند برای اینکه در آتیه نظائرش واقع نشود لازم است عرض کنم. اولاً دعوت در روزی از طرف وزارت فواید عامه شده بود که مصادف بود با روز افتتاح مجلس بعد از یکماه تعطیل و ثانیاً تأسیسات این پاکت را بوسیله بست شهری بتجریش آوردند و شب به بنده رساندند که صبح هیئت رئیسه باید بروند. البته چون عمدی نبوده است بنده هم ترتیب اثر ندادم باین اقدام و چون خیال کرده اند که هنوز قوت است بتوسط بست شهری فرستاده اند و چون موقعش گذشته بود این بود که ترتیب اثر داده نشد. قسمت دهم

دوم — اجرای تصمیم مجلس پنجم راجع بنقشه برداری خطوط مختلفه آهن و تعیین اتم و اصلح و پیشنهاد آن بمجلس.

رئیس — آقای فرمند (اجازه)

فرمند — عرضی ندارم

وزیر عدلیه — در اینجا توضیحی لازم است عرض کنم اتم و اصلح غلط نوشته شده است اهم و اصلح است.

رئیس — اصلاح میشود. آقای ارباب (اجازه)

ارباب کیخسرو — بدیهی است که در اساس مجلس بایک شوق و میل مفرطی رأی داده است و این جای انکار نیست فقط اینجا بنده خواستم سؤال کنم و به بینم که کی اجرا خواهد شد بدیهی است یک قانونی که نوشته شد البته باید اجرا بشود این سؤالی که بنده میکنم برای چیست. برای این است که آن قانون در خرداد ۳۰ ع گذشت است و در وزارت فواید عامه آقای داور اعتبار دوست و پنجاه هزار تومان گرفته شده است برای تهیه مهندسین و برای نقشه برداری و غیره ولی بنده تا این ساعت هیچ خبر ندارم که آیا اقدامی شده است یا خیر؟ این یک نکته است که میخواهیم عرض کنم قسمت دیگر بطوریکه بنده در ضمن کلیات عرض کردم هر قدر تأخیر در این امر بشود ما چند ضرر داریم اولاً ضرر در اصل مقصود ثانیاً از قراری که بنده میزنم و جوهی که از این سر و سرهای دیگر باید ذخیره شود در بانک شاهنشاهی ذخیره میشود با فرع خیلی کم در صورتیکه بانکهای دیگر حاضر بودند که زیادتر بدهند و این خودش اگر راست باشد بضرر مملکت تمام میشود و هیچ اختصاصی ذکر نشده است در قانونی که گذشته است زیرا گفته است «در بانک معتبر» و نگفته در بانک مخصوصی که اختصاص بانجا داشته باشد در صورتی که بشود از یک بانک دیگری بیشتر استفاده کرد و حتماً گذاشت در یک بانگی که طرف محاسبات جاری است. اگر چه امیدوارم که حالا این جا وعده بدهند که زود این اقدام بشود و بفرمایند که آن اعتباری که در خرداد ماه داده شده است بموقع عمل گذاشته شده است یا خیر؟ و در این قسمت هم تصور میکنم که مجلس شورای ملی یک نظر خاصی بمالیه دارد و میل دارد بداند چه جور معامله با این پول میشود بنده در ضمن کلیات عرض کردم هر چه زودتر تکلیف این پول معین بشود برای اینکه هر قدر این پول توقیف است و هر چه طول میکشد زیادتر دست و پای کسبه و تجار را خواهد بست اگر این مسأله خیلی تأخیر دارد و اگر میدانند خیلی طول میکشد دولت

هیچکدامش را کسی انکار ندارد و امید داریم که صحیح از این پشت دروازه طهران و شهریار شروع شود و تمام جاها را بگیرد برای اینکه آقامیرزا یداللهخان مکرر داد و فریاد کرده اند و آقای آقا سید یعقوب هم راجع بشهریار و این اطراف مکرر گفته اند و هنوز اقدام مؤثری نشده است ولی امیدواری است که بشود اما راجع به بلدیة بنده در ضمن عرایض خودم در کلیات عرض کردم و توجه دولت را که البته معطوف باین قسمت بوده متوجه میکنم . ما اجرای قانون میخواهیم بلدیة در هرجاست البته برای آن شهر لازم است ولی وقتی که ما بلدیة داریم باید دید بلدیة در تحت چه اصالی باید باشد قانون بلدی وضع شده است . عوض این لازم بود بنویسند اجرای قانون بلدیة یا اگر اصلاحی لازم ندارد پیشنهاد بفرمایند . بنده از این لفظ نمیدانم مقصودشان چیست ؟ وزارت داخله خیلی چیزهای دیگر هم لازم دارد که بایستی توجه کنند . مثلاً در اینجا یک چیزی که بیش از همه لازم بوده است و نوشته اند تکمیل انتخابات است که از وظایف وزارت داخله بوده است انتخابات یک قسمتش در هر جا معطل است و این قسمت در صورتیکه نزدیکتر بعمل بوده هیچ ذکرش در اینجا نیست . اگر چه شاید بفرمایند که این کارهایی نیست که ذکرش لازم باشد و البته ما خواهیم کرد بنده هم تردید ندارم که دست قوی میتواند خیلی کارها بکند ولی بالاخره اگر اینها را جزو عمل میدانند خوب بود در اینجا قید بکنند .

رئیس — آقای حائری زاده (اجازه)

حائری زاده — بنده فراموش نکرده ام که در همین مجلس بنده با این طرز تشکیلات وزارت داخله مخالف بودم و معتقد بودم که طرز تشکیلات وزارتخانه های ما باید عوض شود یک وزارتخانه ای برای حوائج عمومی و یک وزارتخانه برای انتظامات و یکی برای امور مالی که آن تشکیلات و نظری را که من داشتم هنوز مملکت ما نپسندیده اند . بدیهی است موجود را باید اصلاح کرد و نباید زیر پا گذاشت و چیزی هم جای آن نگذاشت . یک قانون تشکیلاتی در مجلس اول برای این وزارتخانه گذشته که همه آقایان تصدیق دارند که اگر دولت بخواهد او را اجرا کند چندین میلیون برودجه فعلی وزارت داخله باید بفرزاید آنوقت تازه آدم بقدر کفایت ندارد که این تشکیلات را درست کند . یک لایحه تشکیلاتی هم در اواخر دوره چهارم بود که متناسب با وضعیت فعلی وزارت داخله بود آمد بمجلس و از کثرت مشاغل فرصت اینکه بگذرد نبود . وزارت داخله کارهای عمده که دارد یکی نظمیها است . یکی بلدیة ها است یکی قسمت صحیح یکی انتخابات ...

شیروانی — اسنیه .

حائری زاده — یکی هم اسنیه و البته منحصر بفرستادن حکام نیست بنده با ناطق محترم موافقم که این طرز باید اصلاح شود . اینها چیز تازه نیست ولی نظریاتی که دولت دارد بطور کلی در فقرات پرگرام پیشنهاد میکند که بعد آنها را بصورت قانونی بمجلس پیشنهاد کند . یک قسمت از تشکیلات تشکیلات صحیح است . من خیلی موقع را مناسب میدانم که در آنموضوع صحبت شود که در مملکت ما وقتی سراجعه باحصائیه بشود از چند سال قبل باینطرف

فلان قصص را نداشته باشد . یک قوانینی باشد که در تحت عنوان قانون و به حکم محکمه جلب کنند و به حکم محکمه خارج کنند این دردهائی است که عرض میکنم آقای رئیس الوزراء میتوانند عمل بکنند نمیتوانند چه بگویم .

وزیر عدلیه — اولاً تصور میکنم در طبع این پرگرام زیاد دقت نشده است باز هم یک جزئی اشکال دارد (سعی در تعمیم قانون ثبت اسناد و املاک بنحوی که در مدت معینی کلیه املاک) (ثبت کلیه املاک) است و کلمه ثبت افتاده است . اما در اصل موضوع جای هیچ تردید و شبهه نیست که عدلیه ما امروز خیلی خراب است مخالفت با عدلیه امروزی ما خیلی خیلی آسان است . خیلی خیلی میشود استدلال کرد که عدلیه ما نواقص دارد . دفاع از عدلیه امروزی ما هم یک قدری مشکل است ولی باید خدمت آقایان عرض کنم یک قدری مراجعه کنند به بیست سال قبل که عدلیه چه بود . تصور میکنم که در بیست سال قبل عدلیه ما عبارت بود از یک شخصی که وزیر عدلیه بود و شاید یک فرمایشی هم داشت که به قول حکما بطور وحدت و بساطت تمام مزایای سادون و مافوق و تمام مراتب را محتوی بود . البته تبدیل آن صورت به یک صورت آمالی و یک صورت خیلی خوبی در ظرف یک مدت خیلی ممکن نبوده است برای رفع نواقص عدلیه یک مدت زیادی وقت لازم بود . برای اینکه اولاً قوانینی که نداشته ایم تدوین شود . برای اینکه پرسنل و اجزاء برای عدلیه ترتیب شود برای اینکه قضات صلاحیت دار و صحیح العمل پیدا شوند و سرور ایام باید اینها را تربیت کند و برای اینکه تجربه عامل خیلی بزرگی است در اصلاحات باید مدتی بگذرد تا تجربه کار خودش را بکند و آنچه از قوه است بفعل بیاورد . بنده تصور میکنم که از بیست سال خیلی بیشتر وقت لازم است و البته ما بین آن صورت اولی و آن صورتی که آمال و مطلوب است یک حالت برزخی و انتقالی بطور قطع لازم بوده است . ما در این بیست ساله در آن حالت برزخی بوده ایم و هنوز نرسیده ایم به آنجائی که باید باشیم ولی باید عرض کنم که سابقین بنده و اشخاصی که در عدلیه در وزارتخانه یا قسمت امور یا قضائی یا قسمتهای دیگر کار کرده اند همه در این خط کار کرده اند و همه خواسته اند آن اصلاحاتی که منظور نظر است از قوه بفعل بیاورند و اگر موفق نشده اند وقت کافی نبوده است . گمان میکنم در جاهای دیگر هم که یک صورتی به عدلیه های خودش داده اند ابتدا همینطور بوده و بعد تبدیل شده است به یک صورت بهتری البته در عرض بیست سال و پنجاه سال به اینصورت در نیامده و یک مدت متمادی وقت داشته اند . بله بعد از آنکه این مقدمه را گفتیم البته سواچه میشویم با آن قسمتهائی که خوب است در عدلیه بشود . همچو به نظر میرسد که ما از حیث قوانین یک نقصی داریم و قوانینمان کامل نیست . بعضی قوانین تدوین نشده است از قبیل قانون مدنی بوده است که در پرگرام نوشته ایم که اینها را تکمیل و تدوین خواهیم کرد یک قسمت هم که به نظرمان آمد راجع به بطور جریان امور قضائی و محاکماتی است . البته این را هم شنیده ایم که محل شکایت و ابتلاء عموم است آنها را هم در نظر

فهیمی — عرضی ندارم .

رئیس — آقای آقا سید یعقوب (اجازه)

آقا سید یعقوب — بنده گمان میکنم عرایضی که راجع بمواد پرگرام میکنم گویا وجدان آقایان شهادت بدهد که یک عقایدیست که برحسب عقاید و کالتی خودم خیلی لازم میدانم که باید درش بحث بشود این است که بنده مخصوصاً وارد تنقید میشوم که دولت هم ملتفت بشود و متوجه بشود و بنده این را در تحت تنقید یا بفرمایش آقای رئیس الوزراء که فرمودند باید حلاجی شود عرض میکنم که در تحت نظر بیاید . بنده در آن ماده عرایضی داشتم که گذشت آمدیم سر این مسئله مخصوصاً آقای آقا سیراز حسنخان وثوق که بنده حقیقه از این مسئله خشنودم که در رأس قوه قضائیه واقع شده اند و امروز تمام افراد مملکت چنانچه در اول هم عرض کردم بقدری تشنه قضاوت هستند که یکنفر سنکر نیست و بقدری ما احتیاج داریم که قوه قضائیه ما هم همین طور که قانون اساسی قوا را از هم تفکیک کرده است قوه قضائیه را در مقابل قوه مقننه و قوه سجزیه قرار داده است . و اگر ما مراجعه کنیم بتاریخ بشر تمام سلاطین بشر ، تمام انبیاء ، تمام فلاسفه ، و حکما ، که آمده اند تمام عنوان عدالت بوده است این است که قوه قضائیه در مقابل قوه مقننه و قوه سجزیه است و بنده ناچارم این را عرض کنم آقای آقا میرزا محمودخان وزیر داخله آقای وثوق همه شان در نظرشان هست که ما آن روزهای اول که فریاد میزدیم برای مشروطه میگفتیم عدالت میخواهیم . ظلم سرتاپای مملکت را فرا گرفته است . کم کم گفتیم خوب دنیا آدم شده اند بیدار شده اند و ما هم که آدم شده ایم هیئت وزرای مسؤول میخواهیم قوائی میخواهیم که از همدیگر تجزیه شود وزارتخانه از هم تجزیه شود (وزارت داخله) عنوان وزارت داخله است اما بلدیة اش در تحت نظر یکی . صحیحه اش در تحت نظر دیگر . شیر بی دم و سرواشکم بعینه وزارت داخله است . آمدیم سر مسأله قضائیه بنده میدانم که توجه خاص اعلیحضرت مخصوصاً به عدلیه بوده است و در زمان ریاست وزرائی خودشان در عدلیه رفتند و قضاة را تشویق و ترغیب کردند و گفتند قاضی باشید . بنده میترسم در عدلیه یک محاکمه پیدا کنم البته باید قاضی باشید و این حقوقی که به شما داده میشود قضاوت کنید . حقیقه مملکت ایران قضاوت میخواهد . عدلیه میخواهد . این تأکیدات را کردند و بینی و بین الله بنده نمیتوانم سنکر شوم که در موقعی که آقای ابوالحسن خان پیرنیا وزیر عدلیه بود یک قدمهائی برداشته شد . همین آقای رئیس الوزراء در پرگرامهای سابقشان راجع به این مسأله بوده است کابینه اعلیحضرت اینها را داشته . آقای میرزا احمدخان قوام السلطنه اینها را داشته است . آقا بروید یک اداره تفقیص تشکیل بدهید ببینید این همه دوسیه ها که در عدلیه مانده است علت چه چیز است ؟ اینهمه تراکم برای چه ؟ بنده میترسم که حمله بمن بشود . این قانون محاکماتی که نوشته شد در دوره دوم مجلس این شخص محترم (اشاره به آقای مدرس) و رفقا شان چقدر زحمت کشیدند . بنده تمام صحبتیم این است که از مقام لفظ خارج شود و به مقام عمل بیاید و این قوانین صورت شاهنامه و صورت

خیلی نفراش رو به تنزل رفته است اسراض خیلی زیاد شده است ولی از حق نباید گذشت که از وقتی آقای بهرامی متصدی امور صحیح شده اند اطباء بیولایات دارد اعزام میشود . طرف جنوب که هیچ معمول نبود مأسور برود فرستاده اند بنده این چند روزه سراغ دارم که مأسورینی چه بطریق ثابت و چه بطریق سیار در همان قسمتهای شهریار و آن قسمت هائی که میگفتند صندوقهای دوامفقود شده . آقای بهرامی که آمدند تشکیلات صحی خوبی در این حدود داده اند و بدیهی است تشکیلات صحی یک چیزی نیست که امروز که شروع کردند همین امروز درست شود و امیدوارم یک قانونی دولت برای تشکیلات صحی مملکت پیشنهاد کند که دارای یک اصل و یک ریشه و یک اثراتی باشد . اما راجع به بلدیة اگر نظر نماینده محترم باشد قبل از اینکه دولت بمجلس معرفی بشود در تعقیب نظریات دولتهای سابق نظریاتی که مجلس چهارم و پنجم داشت برای اصلاح قانون بلدیة یک پیشنهادی تقدیم مجلس شد که امیدواریم پرگرام زودتر بگذرد و نماینده وزارت داخله در کمیسیون حاضر شود و آن پیشنهاد را زودتر بیاورند که یک بلدیة قانونی دارا بشویم ولی مادامی که دارا نشده ایم نمیتوانیم خیابانها را تار یک بگذاریم و کوچه ها را آب پاشی نکنیم .

وزیر داخله — صبح آن روزیکه آقای رئیس الوزراء بنده را دعوت فرمودند که مشارکت بکنم در خدمتشان و بنده قبول کردم سابقه نداشتم و پرگرام نوشته شده بود و البته بنده هم باید تابع و مطیع باشم و ان شاء الله در جزئیات او باید سعی کرد و البته مقتضیات وقت یکطوری بود که ترتیب وزارت داخله سمزوج بود با بعضی چیزهای دیگر و ممکن نبود تفکیک بشود و حالا که وضع تغییر کرده است امیدوارم یکی یکی تفکیک شود وظایف حکام معلوم شود . تکلیف اسنیه معلوم نیست با وزارت داخله است یا با غیر وزارت داخله است و امیدوارم کم کم درست شود بعضی لویج دیگر هم هست که قبلاً آقای دادگر تنظیم کرده بودند از قبیل تشکیلات نظمیة صحیح که خواهد آمد و خیلی معذرت میخواهم چون سابقه نداشتم و امیدوارم بعمل بیشتر اهمیت داده شود .

جمعی از نمایندگان — مذاکرات کافی است .

رئیس — قسمت دوازده قرائت میشود .

آقا سید یعقوب — بنده در این ماده اجازه خواسته ام .

رئیس — اجازه شما محفوظ است موقعش برسد اجازه داده خواهد شد .

(قسمت دوازدهم بشرح ذیل قرائت شد)

۱۲ تکمیل قوانین موجوده راجع باسورقضائی مخصوصاً وضع و تدوین قانون مدنی و اتخاذ وسائل لازمه برای جلوگیری از بطلان جریان محاکمات و سعی در تعمیم قانون ثبت اسناد و املاک بنحوی که در مدت معینی کلیه املاک در دفاتر دولتی صورت پذیرد و از وقوع دعاوی جلوگیری شود .

رئیس — آقای ارباب کیخسرو (اجازه)

ارباب کیخسرو — عرضی ندارم .

رئیس — آقای فهیمی (اجازه)